اطلاعات روز

ETILAATROZ.COM

سه‌شنبه | ۲۱ ثور ۱۴۰۰ | ۱۱ می ۲۰۲۱ | سال دهم | شماره ۲۱۵۱ | ۸ صفحه

در درگیری پولیس اسرائیل با فلسطینیان در اورشلیم بیش از ۳۰۰ نفر زخمی شدند ۶

هیچکس نمی داند کِی پنالتی است، کِی نیست
واکنش کومان به اعتراضات گسترده رئال از داوری ها ۷

عبدالله در دیدار با باجوا:

طالبان از فرصت به میان‌آمده برای صلح استفاده‌ی درست نکرده‌اند

۲

مجلس نمایندگان چگونگی حملات موتربمب در لوگر و غرب کابل را بررسی می‌کند

۲

مذاکرات احیای برجام؛

ایران می‌گوید امریکا «با بخش عمده‌ای» از خواسته‌های تهران موافقت کرد

اطلاعات روز: سعید خطیب‌زاده، سخن‌گوی وزارت امور خارجه ایران، گفته است که در جریان...

۶

«هنوز وسط ماجرا هستیم»

توخل: برای پیروزی برابر سیتی اعتماد به نفس داریم

۷

ترجمه

آیا قاسم سلیمانی عروسک خیمه‌شب‌بازی پوتین در خاورمیانه بود؟

از هجده سالگی خودش را وفادار پروپاقرص نظام، کاربلد رسانه‌ای و آگاه قدرت معرفی کرده است؛ حتا ۴۲ سال پیش، وقتی که داشت زیر آفتاب کالیفرنیای دوره جنبش‌های دانشجویی دهه ۱۹۷۰ برای اسلام سیاسی تبلیغ می‌کرد.

او نوسان‌های قدرت در ایران نیم قرن گذشته را پشت سر گذاشته و توانسته از دسیسه‌های غالبا مرگبار جمهوری اسلامی جان سالم به‌در ببرد. او امروز ۶۱ ساله است و دوره‌ی حرفه‌ای‌اش به‌عنوان دیپلمات جمهوری اسلامی تقریبا به خط پایان خود رسیده است. دوره‌ی کاری او به‌عنوان وزیر امورخارجه ایران نیز تا چند هفته دیگر به پایان می‌رسد.

هیچ‌کس نمی‌داند که کار مردی که برخی او را «چهره خندان رژیم آخوندی ظالم»...

۳

گزارش ۴

درخواست افغانستان از دیوان کیفری بین‌المللی:

تحقیقات خود را از حمله بر مکتب سیدالشهدا آغاز کنید

وزارت خارجه افغانستان به‌تازگی از دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه خواسته است که با دولت افغانستان برای تحقیق درباره‌ی تمامی جرایمی که از سال ۲۰۰۳ به این سو در کشور روی داده است، همکاری و این کار را با تحقیق درباره‌ی فاجعه‌ی خونین اخیر در مکتب سیدالشهدای دشت برچی آغاز کند.

محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه‌ی کشور که به‌منظور گفت‌وگو با دادستان‌های دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه رفته بود شام دیروز (یک‌شنبه، ۱۹ ثور) در یک کنفرانس مطبوعاتی از لاهه گفت که با فاتو بنسودا...

تحلیل ۵

تروریسم نو در افغانستان؛

روش‌ها و هدف‌ها

جامعه‌پژوهان وابسته به مکتب تکامل‌گرایی باور دارند که پدیده‌های اجتماعی در حال تطور و تکامل بوده و از همین‌رو پدیده‌های اجتماعی شکل ثابت نداشته و بر محور زمان و مکان مستعد تغییرات تاریخی و جغرافیایی می‌باشند. اگوست کنت، جان‌لاک و روسو از...

پاسخ ارگ به طالبان:

ما آتش‌بس دایمی می‌خواهیم و برگشت به میز مذاکره

اطلاعات روز: ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان در پاسخ به آتش‌بس سه روزه‌ی طالبان به مناسبت عید فطر، از این گروه خواسته است که...

صفحه ۲

رییس‌جمهور غنی با رییسان ستاد ارتش پاکستان و بریتانیا دیدار کرد

صفحه ۲

بایدن تصمیم درستی در قبال افغانستان گرفت

صفحه ٤

نومادلند و داستان‌های پشت پرده‌اش

صفحه ۸

یادداشت روز

فاجعه‌ی کابل؛

مردم میان دو سنگ آسیاب

ابعاد و بزرگی حمله تروریستی بر مکتب دخترانه‌ی سیدالشهدا یک روز پس از حادثه بیشتر روشن شد. آمار تلفات به بیش از ۵۰ کشته و ۱۰۰ زخمی افزایش یافت. تمام قربانیان کودکان و دانش‌آموزان مکتب و ساکنان محل هستند. آنچه بعدازظهر روز شنبه در کابل رخ داده فاجعه‌ی تمام‌عیار انسانی و جنایت علیه بشریت است. ماهیت رویداد ادامه‌ی سیاست کشتار غیرنظامیان و عطش انسان‌کشی گروه‌های تروریستی است. حمله بر مکتب و کشتن کودکان در هیچ جنگی توجیه‌پذیر نیست. عاملان این رفتار از انسانیت تهی و ذوب در ایدیولوژی خشونت شده‌اند. کودک‌کشی تنها از عهده‌ی چنین ایدیولوژی برمی‌آید.

مردم غرب کابل در میان دو سنگ آسیاب گیر کرده‌اند. تروریستان به هدف نسل‌کشی از هدف قراردادن هیچ جای و گروهی دریغ نمی‌کنند. یک ویژگی اصلی نسل‌کشی این است که در طی آن یک گروه انسانی شناسایی شده و هدف قرار می‌گیرد. حمله تروریستی بر مکتب سیدالشهدا و حملات مشابه قبل از آن...

۲

ادامه‌یادداشت‌روز

از این ویژگی برخوردار است. اما مشکل بزرگ‌تر بی‌توجهی نهادهای امنیتی به تهدیدات آشکار علیه این مردم است. این اولین رویدادی نیست که فاجعه‌آفرین می‌شود. قبلا هم فاجعه‌های مشابه و گاه بزرگ‌تر از این به وقوع پیوسته است. اما مدام حکومت به این شکنندگی امنیتی سیاست بی‌توجهی اختیار کرده و به وضعیت نامطمئن مردم بی‌اعتنا بوده است. صرف ضعف استخبارات عامل این فاجعه‌های پی‌هم نیست؛ دست‌کم شائبه‌ی رد پای بی‌اعتنایی عمدی نهادهای امنیتی در پیش‌گیری از این رویدادها در افکار عمومی مطرح است. تاکنون حکومت به طرح‌های ارائه‌شده از سوی مردم برای تأمین امنیت غرب کابل که به‌طور سیستماتیک در معرض تهدیدهای هدف‌مندانه‌ی تروریستی قرار دارد، پاسخ نداده و به این مطالبه بی‌توجه بوده است. برای افکار عمومی این پرسش مطرح است که دستگاه استخباراتی و اطلاعاتی افغانستان چه کار می‌کند که تروریستان به‌راحتی هر جایی را که خواسته باشند هدف قرار می‌دهند و دست به چنین حملات سنگین می‌زنند؟ این وضعیت اگر از یک طرف نتیجه‌ی ایدیولوژی خشونت است از طرف دیگر، محصول ناتوانی سیاست امنیتی و مواجهه‌ی ناکام حکومت با مسأله ناامنی است. کار حکومت دادن اعلامیه و محکومیت شده، اما دادن اعلامیه و محکوم‌کردن رویدادها دردی را دوا نمی‌کند. تاکنون هیچ یک از عاملان رویدادهای مرگبار غرب کابل شناسایی نشده است. کسی هم نمی‌داند که سرنوشت این پرونده‌های خونبار در کدام تاق خاک می‌خورد. درحالی‌که اگر حکومت اراده‌ی جدی داشته باشد، می‌تواند خیلی زود عاملان رویدادها را گرفتار کند. به‌عنوان نمونه حکومت با قاطعیت توانست خیلی زود تمام عاملان حمله بر دانشگاه کابل را گرفتار کند. اما عاملان حمله بر مرکز آموزشی موعود، کورس کوثر دانش و شفاخانه دا‌کتران بدون مرز هرگز گرفتار نشدند. این رویکرد دوگانه و نشان‌دهنده‌ی بی‌تعهدی حکومت با تمام عاملان رویدادهای تروریستی است. امری که بیش از پیش به تروریستان جرأت داده است.

در پی حمله‌ی تروریستی بر مکتب سیدالشهدا تاکنون حکومت رفتار همدلانه با شهروندان نداشته است. مواجهه‌ی حکومت با این تراژیدی بسیار سرد و ناامیدکننده بود. جدای از نارسایی در لحظه‌ی حادثه و رسیدگی به قربانیان، واکنش حکومت مثل همیشه صدور اعلامیه و یک محکومیت خشک و خالی بود. برعکس از لحظه حادثه تاکنون دستگاه حکومت بعد سیاسی قضیه را برجسته کرده و در یک کارزار رسانه‌ای هدفمند و برجسته سعی می‌کند مسئولیت این حمله را به طالبان ربط دهد که هدف آشکار بازی سیاسی با مسأله‌ی تروریزم دارد. چه این حمله کار طالبان باشد یا نه، چیزی از طومار بلند کارنامه‌ی سیاه طالبان کاسته نمی‌شود. طالبان به اعمال شنیع‌تر از این هم دست زده‌اند. چهره طالبان برای شهروندان افغانستان شناخته شده است. اما مسأله‌ی اصلی این است که حمله کار هر گروهی باشد، از مسئولیت حکومت که مسئول جان شهروندان است، چیزی را کم نمی‌کند. بدون تعارف اگر کوتاهی و بی‌اعتنایی حکومت در این فاجعه بیشتر از ایدیولوژی خشونت‌آمیز طالبان عامل اصلی نباشد، کمتر هم نیست. مردم افغانستان عمال ملت درمانده و مستأصل است. جامعه‌ی جهانی نیز به‌نظر می‌رسد در برابر فاجعه‌های پی‌هم تروریستی در افغانستان موضع بی‌تفاوتی اختیار کرده است. به جز از محکومیت کاری دیگری نمی‌کند. دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای دخیل در قضیه افغانستان به خوبی می‌دانند که این حملات کار چه کسانی است. اهرم‌های فشار زیادی هم در اختیار دارند که عاملان چنین رویدادهایی را سر جایش بنشانند، اما بنابر مصلحت‌های سیاسی چنین کاری نمی‌کنند. واقعیت این است که ماجهده‌ی مصلحت‌آمیز با جنایت انسانی فقط وضعیت را پیچیده و گروه‌های تروریستی را جری‌تر می‌کند.

عبدالله در دیدار با باجوا:

طالبان از فرصت به میان‌آمده برای صلح استفاده‌ی درست نکرده‌اند

اطلاعات روز: عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی کشور می‌گوید که گروه طالبان از فرصت به میان‌آمده برای مذاکره‌ی صلح با دولت افغانستان و برقراری صلح، استفاده‌ی درست نکرده است.
شورای عالی مصالحه‌ی ملی با نشر خبرنامه‌ای گفته است که آقای عبدالله این موضوع را دیروز (دوشنبه، ۲۰ ثور) در دیدار با قمر جاوید باجوا، رییس ستاد ارتش پاکستان در کابل مطرح کرده است.
به نقل از خبرنامه، آقای عبدالله همچنان گفته است که اگر طالبان خواهان تحمیل راه‌حل نظامی در افغانستان اند، رویکرد جنگ‌طلبانه‌ی این گروه باعث تداوم جنگ و مخالفت مردم در برابر آنان خواهد شد.
او افزوده است که یک افغانستان صلح‌آمیز که طالبان هم بخشی از آن باشند، به نفع مردم افغانستان، کشورهای منطقه و جهان است. رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی تأکید کرده است که راه‌حل نظامی در افغانستان عملی و قابل‌قبول برای مردم افغانستان نیست.
در همین حال، رییس ستاد ارتش پاکستان گفته که کشورش نیز معتقد است که راه‌حل نظامی در افغانستان وجود ندارد. او افزوده است که یگانه راه‌حل در افغانستان، دست‌یافتن به یک موافقه‌ی سیاسی از طریق مذاکره و گفت‌وگو و تفاهم روی تشکیل یک حکومت «همه‌شمول» و «برگزاری انتخابات» است.
همچنان شورای عالی مصالحه‌ی ملی گفته است که دو طرف در این دیدار بر آغاز مذاکرات معنادار بین‌الافغانی نیز تأکید کرده‌اند.
گفتنی است که رییس ستاد ارتش پاکستان دیروز به کابل آمده است. پیشتر منبعی در ارگ ریاست‌جمهوری به روزنامه اطلاعات روز گفت که قمر جاوید باجوا با رییس‌جمهور اشرف غنی نیز دیدار و گفت‌وگو کرده است.
این مقام ارشد پاکستانی درحالی به افغانستان سفر می‌کند که مذاکرات بین‌الافغانی از ماه‌ها به این طرف متوقف و دو طرف به هیچ پیشرفتی تاکنون دست نیافته‌اند.

پاسخ ارگ به طالبان:

ما آتش‌بس دایمی می‌خواهیم و برگشت به میز مذاکره

اطلاعات روز: ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان در پاسخ به آتش‌بس سه روزه‌ی طالبان به مناسبت عید فطر، از این گروه خواسته است که به خواست برحق مردم برای آتش‌بس دایمی لبیک گفته و به میز مذاکره برگردند تا مردم به حق اساسی‌شان که زندگی در فضای صلح عادلانه و پایدار است، برسند.
در اعلامیه‌ی ارگ ریاست‌جمهوری آمده است که دولت جمهوری اسلامی افغانستان از آتش‌بس طالبان استقبال می‌کند، اما در عین حال بر آتش‌بس دایمی و واقعی تأکید دارد.
در اعلامیه آمده است: «توسل به خشونت، قتل و کشتار افراد ملکی، انهدام زیربناها و اماکن عامه نه تنها در روز های عید، بلکه در هیچ روزی جواز شرعی ندارد.»
ارگ ریاست‌جمهوری افزوده است اکنون که نیروهای خارجی از افغانستان خارج می‌شوند و مراجع معتبر دینی و علمای جهان اسلام نیز جنگ در افغانستان را خلاف رهنمودات دینی می‌دانند، طالبان هیچ دلیل شرعی برای «ادامه‌ی کشتار مردم افغانستان» ندارند.
در این اعلامیه تأکید شده است که حملات طالبان بر مردم و تأسیسات عامه در جریان ماه مبارک رمضان به‌ویژه، حملات اخیر این گروه در ولایت‌های لوگر، هلمند، غزنی، هرات، بغلان و «فاجعه‌ی دشت برچی کابل» و حادثه‌ی دیروز در ولایت زابل نشان می‌دهد که اعمال خشونت و تلاش برای ایجاد فضای رعب و وحشت بر مردم افغانستان برای رسیدن به اهداف سیاسی و استخباراتی تنها باعث انزجار و تنفر بیشتر مردم افغانستان می‌شود.
ارگ ریاست‌جمهوری افزوده است: «طالبان از عملیات چند هفته‌ی اخیرشان این را هم باید آموخته باشند که محاسبه‌ی‌شان از پیروزی در میدان جنگ در مقابل نیروهای امنیتی و دفاعی قهرمان افغانستان اشتباه محض بوده است.»
از سوی هم، رییس‌جمهور اشرف غنی به نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان هدایت داده است که به احترام روزهای عید، آتش‌بس را رعایت کرده و مانند همیشه، در تأمین امنیت مردم افغانستان تلاش کنند.
آقای غنی همچنان از نیروهای امنیتی و دفاعی خواسته است که در صورت تخطی دشمن، از خود و مردم‌شان دفاع کنند.
در همین حال، وزارت خارجه‌ی پاکستان نیز از اعلام آتش‌بس سه روزه از سوی طالبان استقبال کرده است. سخن‌گوی این وزارت در توییتی نوشته است که اسلام‌آباد از تمام تلاش‌هایی که منجر به کاهش خشونت و دست‌یابی به صلح و ثبات پایدار در افغانستان کمک کند، حمایت می‌کند.
گروه طالبان سه روز عید فطر را آتش‌بس اعلام کرده و از جنگ‌جویان خواسته است که در این مدت حملات تعرضی‌شان متوقف و در برابر حملات طرف مقابل از خود دفاع کنند.
گروه طالبان همچنان به جنگ‌جویان هدایت داده است که در جریان سه روز آتش‌بس از رفتن به مناطق تحت کنترل دولت خودداری کنند و به نیروهای امنیتی وابسته به دولت نیز اجازه‌ی ورود به ساحات تحت کنترل‌شان را ندهند.
پیشتر عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی نیز در واکنش به اعلام آتش‌بس سه روزه از سوی گروه طالبان، گفته بود که برقراری آتش‌بس کوتاه‌مدت فرصت کوتاه آرامش را برای مردم فراهم می‌کند، اما راه‌حل اساسی و دایمی برای حل مشکل کشور نیست.
در اعلامیه‌ی سپیدار به نقل از آقای عبدالله آمده است که به باور او، راه‌حل بیرون‌رفت از بحران کنونی کشور، تسریع مذاکرات، اعلام آتش‌بس دایمی و قطع همیشگی جنگ است.

رییس‌جمهور غنی با رییسان ستاد ارتش پاکستان و بریتانیا دیدار کرد

اطلاعات روز: جنرال قمر جاوید باجوا، رییس ستاد ارتش پاکستان و جنرال مرنیک کارتر، رییس ستاد ارتش بریتانیا دیروز به‌صورت همزمان به کابل آمدند.
این مقام‌های نظامی پاکستان و بریتانیا با رییس‌جمهور اشرف غنی در ارگ ریاست‌جمهوری دیدار کرده‌اند.
ارگ ریاست‌جمهوری در خبرنامه‌ای گفته است که این دیدار قبل از ظهر دیروز (دوشنبه، ۲۰ ثور) انجام شده و طرف‌ها در مورد روند صلح افغانستان، رابطه‌ی افغانستان و پاکستان، نقش پاکستان در روند صلح و ختم خشونت‌ها در افغانستان بحث و گفت‌وگو کرده‌اند.
به نقل از خبرنامه، رییس‌جمهور اشرف غنی نقش کشورهای منطقه به‌ویژه پاکستان در برقراری صلح و تأثیرگذاری این کشور بالای طالبان را «بسیار مهم» خوانده است.
به‌گفته‌ی او، افغانستان و پاکستان به‌عنوان دو همسایه به جز احترام متقابل، حسن همجواری و همکاری اقتصادی، دیگر راهی ندارند.
طبق خبرنامه‌ی ارگ ریاست‌جمهوری، آقای غنی گفته است که جنگ افغانستان راه‌حل نظامی ندارد و تأکید طالبان بر راه‌حل نظامی برای مردم غیرقابل پذیرش است. او تأکید کرده است که مردم افغانستان خواستار صلح عادلانه و پایدار از طریق بحث و گفت‌وگو هستند.
غنی در ادامه ثبات دو کشور را با هم‌دیگر مرتبط دانسته و خواستار نقش موثر و صادقانه‌ی پاکستان در زمینه‌ی تأمین صلح عادلانه و پایدار در افغانستان شده است.

مجلس نمایندگان چگونگی حملات موتربمب در لوگر و غرب کابل را بررسی می‌کند

اطلاعات روز: میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان ضمن محکوم کردن حملات اخیر بر دانش‌آموزان در ولایت‌های لوگر و کابل، به کمیسیون امنیت داخلی و کمیسیون تفتیش این مجلس هدایت داد تا چگونگی وقوع این حملات را در هماهنگی با نهادهای حکومتی بررسی کنند.
آقای رحمانی در نشست عمومی دیروز (دوشنبه، ۲۰ ثور) مجلس نمایندگان از کمیسیون‌های یادشده همچنان خواست که گزارش مفصل بررسی‌های‌شان در مورد این دو حمله‌ی «بزرگ تروریستی» را به تالار عمومی مجلس ارائه کنند.
در تاریخ دهم ماه جاری خورشیدی (ثور) در یک حمله‌ی موتربمب در مرکز ولایت لوگر، دست‌کم ۲۴ نفر کشته و بیش از ۱۰۰ نفر دیگر زخمی شدند.
در این حمله‌ی موتربمب که هیچ گروهی هنوز به‌صورت رسمی مسئولیت آن‌را بر عهده نگرفته، سقف شماری از خانه‌های مسکونی و یک شفاخانه فروریخت و در کنار تلفات جانی، خسارات هنگفت مالی نیز به ساکنان محل وارد شد.
هشت روز پس از این حمله، دانش‌آموزان دختر مکتب سیدالشهدا در غرب کابل هدف سه انفجار پی‌هم قرار گرفتند. انفجار نخست ناشی از موتر بمب‌گذاری‌شده بود که به تعقیب آن دو مابین جاسازی‌شده نیز منفجر شد.
براساس آمار رسمی، در این رویداد بیش از ۵۰ غیرنظامی –اغلب دانش‌آموزان- کشته و بیش از ۱۰۰ نفر دیگر زخمی شدند.
اما مسئولان «ستاد مردمی تدفین شهدای معارف» که برای مراسم تدفین قربانیان این رویداد تشکیل شد، دو روز پیش به روزنامه اطلاعات روز گفتند که دست‌کم ۸۱ نفر در این رویداد کشته شده‌اند.
هنوز هیچ گروهی مسئولیت این رویداد را بر عهده نگرفته است. دولت و طالبان یک‌دیگر را به دست‌داشتن در این حمله متهم کرده‌اند.
در پی این دو حمله‌ی بزرگ در لوگر و کابل، رییس‌جمهور اشرف غنی امروز (سه‌شنبه) را عزای عمومی اعلام کرده است.

آیا قاسم سلیمانی عروسک خیمه‌شب‌بازی پوتین در خاورمیانه بود؟

علی صدرزاده، قنطره
مترجم: جلیل پژواک

رسانه‌های ایران ادعا کردند که هواداران پوتین لقب قهرمانانه‌ی «شکارچی شکارچیان» را بر فرمانده سپاه قدس ایران گذاشته‌اند. چهار سال بعد همه‌گیری کووید۱۹ سفرهای زیارتی به کربلا را متوقف کرد و سلیمانی نیز در ماه جنوری ۲۰۲۰ به دستور ترمپ در حمله هواپیمای بدون سرنشین ارتش ایالات متحده در فرودگاه بغداد کشته شد. در ۲۵ اپریل فایل صوتی‌ای به رسانه‌ها درز کرد که در آن ظریف، به‌عنوان وزیر امورخارجه ایران، رک و راست درباره‌ی چهره واقعی قاسم سلیمانی و به‌ویژه رابطه وی با پوتین صحبت می‌کند.

از هجده سالگی خودش را وفادار پروپاقرص نظام، کاربلد رسانه‌ای و آگاه قدرت معرفی کرده است؛ حتا ۴۲ سال پیش، وقتی که داشت زیر آفتاب کالیفرنیای دوره جنبش‌های دانشجویی دهه ۱۹۷۰ برای اسلام سیاسی تبلیغ می‌کرد.
او نوسان‌های قدرت در ایران نیم قرن گذشته را پشت سر گذاشته و توانسته از دسیسه‌های غالبا مرگبار جمهوری اسلامی جان سالم به‌در ببرد. او امروز ۶۱ ساله است و دوره‌ی حرفه‌ای‌اش به‌عنوان دیپلمات جمهوری اسلامی تقریبا به خط پایان خود رسیده است. دوره‌ی کاری او به‌عنوان وزیر امورخارجه ایران نیز تا چند هفته دیگر به پایان می‌رسد.
هیچ‌کس نمی‌داند که کار مردی که برخی او را «چهره خندان رژیم آخوندی ظالم» ایران می‌خوانند، فردا به کجا خواهد کشید. برخی حلقات خوش‌باور او را رییس‌جمهور آینده ایران می‌دانند، اما برخی دیگر ترجیح می‌دهند او را پشت میله‌های زندان ببینند تا پشت میز ریاست‌جمهوری ایران.
سایه‌ی رقیبی مرده اما همچنان حاضر در همه جا، امکان دارد کار دست محمدجواد ظریف، وزیر فعلی اما رفتنیِ امورخارجه ایران دهد.

سایه‌ی بلند فرمانده سایه

«شکارچی شکارچیان» کلماتی بود که زیر عکس فرمانده پیشین سپاه قدس روی پیراهن میلیون‌ها زائر شیعه که در سال ۲۰۱۶ سعی در عبور از مرز ایران-عراق داشتند نقش بسته بود. مقصد آن‌ها شهر کربلا در ۲۸۰ کیلومتری مرز ایران-عراق بود.
رسانه‌های ایران ادعا کردند که هواداران پوتین لقب قهرمانانه‌ی «شکارچی شکارچیان» را بر فرمانده سپاه قدس ایران گذاشته‌اند. چهار سال بعد همه‌گیری کووید۱۹ سفرهای زیارتی به کربلا را متوقف کرد و سلیمانی نیز در ماه جنوری ۲۰۲۰ به دستور ترمپ در حمله هواپیمای بدون سرنشین ارتش ایالات متحده در فرودگاه بغداد کشته شد. در ۲۵ اپریل فایل صوتی‌ای به رسانه‌ها درز کرد که در آن ظریف، به‌عنوان وزیر امورخارجه ایران، رک و راست درباره‌ی چهره واقعی قاسم سلیمانی و به‌ویژه رابطه وی با پوتین صحبت می‌کند.

قهرمان ایران نوکر پوتین بود

از شش سال به این سو رسانه‌های تندرو در تهران با نشر گزارش‌هایی ادعا کردند کسی که با سفر به مسکو عزم پوتین را برای مداخله در جنگ سوریه جزم کرد، جنرال قاسم سلیمانی بود. اما حالا ارشدترین دیپلمات تهران داستان خودش را درباره‌ی این سفر دارد؛ ظریف در جریان این مصاحبه می‌گوید که این سفر در واقع برعکس چیزی بود که گزارش شد؛ و این پوتین بوده که به فرمانده سپاه قدس ایران دستور داده به مسکو سفر کند.
آیا جواد ظریف می‌داند چقدر ریسک کرده است؟ چرا وزیر امورخارجه ایران اطلاعات سری و عملیاتی ارزشمندی را فاش کند که فقط از دست بدترین دشمنان ایران برمی‌آید؟ آیا همان‌طور که برخی تحلیلگران نوشته‌اند، ظریف قصد «انتحار سیاسی» را دارد؟ هدف او چیست؟
فقط زمان می‌تواند به این پرسش‌های دقیق پاسخ دهد. اما آیا اظهارات رک و راست ظریف می‌تواند همچون بمبی در صحنه سیاست ایران عمل کند و همانند یک زلزله به پس‌لرزه‌های سیاسی شدید در ایران بینجامد؟ بدون شک.
بمب رسانه‌ای جواد ظریف دو هفته پیش منفجر شد، اما گستردگی تخریب آن حالا به تدریج خودش را نشان می‌دهد. این انفجار سرنوشت وی و همچنین نتیجه‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری ماه جون ایران را که سپاه پاسداران درحال آمادگی برای آن است، تعیین خواهد کرد.
بمب رسانه‌ای که به آن اشاره می‌شود، یک فایل صوتی سه ساعت و ۱۱ دقیقه‌ای از مصاحبه هفت‌ساعته‌ی جواد ظریف با روزنامه‌نگار اقتصادی، سعید لیلاز، معتمد رییس‌جمهور حسن روحانی است که دو ماه پیش انجام شده است. براساس بیانیه‌ی دفتر ریاست‌جمهوری ایران، این روزنامه‌نگار می‌خواسته در قالب پروژه «تاریخ شفاهی» دوره‌ی ریاست‌جمهوری حسن روحانی، مصاحبه‌هایی را با رییس‌جمهور و وزرای کابینه دولت وی که به پایان خود نزدیک می‌شود، انجام دهد.
ظریف در طول این سه ساعت مصاحبه چندین بار تأکید می‌کند که اظهاراتش نباید علنی شود و این‌که داستان وی برای آیندگان و برای تاریخ ایران است و فقط به این دلیل است که او این‌قدر صریح صحبت می‌کند. مصاحبه‌کننده نیز احتمالا قصد انتشار سخنان ظریف را نداشته یا حداقل این چیزی است که لیلاز در حال حاضر ادعا می‌کند. هنوز معلوم نیست که چه کسی این فایل صوتی را درز داده است.
یک‌شنبه دو هفته قبل تمام تلویزیون‌های فارسی‌زبان خارج از کشور این فایل صوتی را پخش کردند. از آن‌زمان ایران شاهد پس‌لرزه‌های سیاسی بسیار این درز رسانه‌ای بوده است.
ظریف طی این گفت‌وگوی نسبتا خسته‌کننده چیزی را جز واقعیتی که دیری‌ست آشکار شده، در میان نمی‌گذارد: این‌که سپاه پاسداران حرف اول و آخر را در ایران می‌زند و هم بر سیاست داخلی و هم بر سیاست خارجی کشور مسلط است. ظریف سپس نمونه‌هایی از سلطه‌ی سپاه بر ایران ارائه می‌دهد و جزئیات جالبی را علاوه می‌کند که احتمالا بحث‌ها و درگیری‌های آینده را در کل منطقه متأثر خواهد کرد.

فقط برای تاریخ؛ واقعا؟

نکته‌ی جالب این مصاحبه این است که ظریف در سخنان خود به ندرت از نام «سپاه پاسداران» استفاده می‌کند و به جای آن واژه‌ی «میدان» را به‌کار می‌برد. با این‌حال بخش عمده‌ی سخن ظریف متوجه «فرمانده میدان» یعنی قاسم سلیمانی است که هرچند دیگر زنده نیست اما هنوز به‌شدت در ایران احترام می‌شود.
جدای از حفظ احتمالا اجباری احترام به سلیمانی در طول سخنانش، ظریف او را به‌عنوان مردی به تصویر می‌کشد که انگیزه‌ی تباه‌کننده‌ای برای سلطه داشته؛ مرد همه‌کاره و آگاه از پویایی قدرت که به دنبال مسلط‌شدن بر همه چیز و همه کس بوده. ظریف سلیمانی را به‌عنوان مردی مدعی قدرت بی‌حدوحصر توصیف می‌کند که به کسی پاسخ‌گو نبوده.
ظریف با ارائه مثال و گاه جزئیات حیرت‌انگیز برای تقویت استدلال خود ــ که تاریخ‌نگاران و در مواردی دادگاه‌های آینده باید به آن رسیدگی کنند ــ می‌گوید که «در جمهوری اسلامی میدان حاکم است... دیپلماسی هزینه‌ی میدان می‌شد ولی میدان هیچ‌گاه هزینه‌ی دیپلماسی نشد.»

پوتین به دنبال تنش دائمی است

سخنان ظریف در توضیح نقش سلیمانی بر چهار موضوع متمرکز است: توافق هسته‌ای، روسیه، جنگ سوریه و تنش با عربستان. او خاطرنشان می‌کند که روسیه به دنبال تنش‌زدایی واقعی بین ایران و غرب نیست، بلکه برعکس، به گفته‌ی ظریف، مسکو خواهان تنش مداوم اما قابل‌کنترل بین تهران و واشنگتن است.
جنرال سلیمانی پیش از امضای برجام در سال ۲۰۱۵ بین ایران و قدرت‌های بزرگ جهان، بارها تلاش کرد به مسکو سفر کند اما پوتین همیشه از پذیرفتن وی امتناع می‌ورزید. ظریف می‌گوید که تنها پس از امضای برجام بود که پوتین سلیمانی را برای ملاقات در سپتامبر ۲۰۱۵ به مسکو فراخواند.
پس از این دیدار سپاه پاسداران به‌عنوان نیروهای زمینی برای کمک به نیروی هوایی روسیه به سوریه اعزام شدند. به گفته‌ی ظریف این مداخله در سوریه فقط برای اسد و علیه داعش نبود بلکه برای نابودکردن نتایج توافق هسته‌ای نیز بود. که همین‌طور هم شد. سپاه سیاست روسیه را در ایران اجرا کرد و علی خامنه‌ای به‌عنوان رهبر ایران در قلب میدان قرار گرفت.

«کسی باقالی بار من نمی‌کند»

وقتی مصاحبه‌کننده با خنده‌ی کنایه‌آمیز از ظریف می‌پرسد که «امروز شش حوت سال ۹۹ است نمی‌دانم شاید تا ماه جوزای ۱۴۰۰ آقای دکتر ظریف در این کسوت باشند یا معاون اول یا رییس‌جمهور و یا در منزل پیژامه به پا؟» ظریف در پاسخ با اشاره به یک ضرب‌المثل فارسی که بیان‌گر احساس حقارت عمیق است، می‌گوید: «دیگر کسی باقالی بار من نمی‌کند» و سپس می‌افزاید: «یا جای دیگری پیرهن راه راه به تن، اگر آقایون...»
این سخن غیرواقع‌بینانه نیست. چهار روز پس از انتشار این گفت‌وگو، چهره‌های زیادی در ایران خواستار محاکمه ظریف شدند. روز چهارشنبه هفته گذشته، دادستان کل تهران گفت که تحقیقات از ظریف درباره‌ی این فایل صوتی به جریان افتاده است.
ظریف در بخشی از این مصاحبه می‌گوید: «هر بار که من برای مذاکره منطقه‌ای می‌رفتم این شهید سلیمانی بودند که می‌گفتند فلان موضوع و خاصیت را بگیر. می‌گفتند مثلا می‌روی با آقای لاورف مذاکره کنی، این چهار موضوع را بخواه... یعنی دیپلماسی هزینه‌ی میدان می‌شد، ولی میدان هیچ‌گاه هزینه‌ی دیپلماسی نشد.»

هواپیماهای ملکی در خدمت سپاه

پس از امضای برجام و رفع تحریم‌ها علیه شرکت هواپیمایی «ایران‌ایر» در ماه دسامبر ۲۰۱۵، ایران مذاکرات خود را با شرکت بوئینگ و ایرباس با هدف خرید هواپیماهای جدید آغاز کرد. ظریف می‌گوید: «در جون ۲۰۱۶ آقای جان کری به من گفت از روزی که ما ایران‌ایر را از لیست تحریم‌ها خارج کرده‌ایم تا به امروز پروازهای این شرکت به سوریه شش‌برابر شده است. من گفتم مگر می‌شود؟ نه رییس‌جمهور روحانی و نه وزیر حمل و نقل، چیزی در این مورد نمی‌دانستند. وقتی از رییس ایران‌ایر پرسیدم که آیا این موضوع صحت دارد، او پاسخ داد که بلی دستور از جنرال سلیمانی بود. بعدا وقتی از سلیمانی پرسیدم که چرا مانند گذشته از ماهان‌ایر برای اهداف نظامی خود استفاده نمی‌کند، او پاسخ داد که ایران‌ایر امن‌تر است.» در آن زمان این واقعیت که سپاه از هواپیماهای غیرنظامی ایران به‌منظور حمل کالاهای نظامی به سوریه استفاده می‌کند، اعتبار و حیثیت ایران را به‌شدت لکه‌دار کرد.
این فایل صوتی حاوی انبوهی از جزئیات تکان‌دهنده و به‌لحاظ تاریخی جالب درباره‌ی دیپلماسی مخفی بر سر جنگ داخلی در یک سرزمین خارجی است که از آغاز تاکنون صدها هزار نفر را کشته و میلیون‌ها تن دیگر را آواره کرده است. ظریف در بخشی از مصاحبه که به‌نظر عصبانی می‌رسد، می‌گوید: « وقتی میدان حاکم باشد؛ میدان بر سیاست خارجی، تبلیغات، اظهارنظرها و بر همه چیز حاکم است و شما نمی‌توانید بگویید چند نفر در سوریه کشته شدند. شما نمی‌توانید به من بگویید چند نفر در سوریه کشته شده است. آقای کری باید به شما بگوید که دو صد بار اسرائیل به شما در سوریه حمله کرده است.» از این منظر، این فایل صوتی بدون شک ارزش تاریخی دارد.

اعتراف به جرم

سخنان ظریف درباره‌ی «پرواز شماره ۷۵۲ هواپیمایی بین‌المللی اوکراین» بر فراز تهران در ۸ جنوری ۲۰۲۰ نیز جالب است. دو موشک سپاه پاسداران منجر به سرنگونی این هواپیمای مسافربری با ۱۶۷ نفر مسافر و ۹ خدمه شد. خانواده‌های داغدیده‌ی قربانیان آن‌را جنایت می‌دانند.
سپاه ابتدا درباره‌ی این سقوط سکوت پیشه کرد، اما دو روز بعد از سرنگونی هواپیمای اوکراین بازار دروغ و تناقض‌گویی سپاه گرم شد. جهان از قبل سخن از ساقط‌شدن این هواپیما توسط موشک‌های سپاه پاسداران می‌زد. ظریف در مصاحبه می‌گوید: «من ظهر جمعه رفتم جلسه ویژه‌ای که در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی گذاشتند. در جلسه چهار نفر بودند. دبیر شورا، وزیر راه، رییس ستاد کل و من بودم. من عرض کردم دو روز است دنیا می‌گوید هواپیمای اوکراینی موشک خورده است. اگر واقعا موشک خورده بگویید که ما ببینیم چگونه علاجش کنیم. خدا شاهد است آن‌گونه با من برخورد کردند که انگار من کفر ابلیس گفتم. من که این را گفتم انگار کفر ابلیس گفتم. گفتند برو برو توبت بزن و تکذیب کن.» اگر این جنایت روزی به دادگاه کشیده شود، اظهارات ظریف می‌تواند سند اثبات جرم باشد. هم‌اکنون بازماندگان قربانیان خارج از کشور می‌خواهند از رهبران ایران در دادگاه‌های کشورهای مختلف شکایت کنند.

آیا این درز کار نتانیاهو بود؟

آدم می‌تواند از مصاحبه ظریف صفحه‌ها با اطلاعات مشابه و زمزمه‌های پشت‌پرده‌ی بازی قدرت در ایران پر کند. در نشستی که از تلویزیون ایران پخش شد، رییس‌جمهور روحانی ظاهرا عصبانی از وزیر اطلاعات حاضر در نشست می‌خواهد که باید کسانی را که این فایل صوتی محرمانه را سرقت کرده و آن‌را در اختیار رسانه‌های خارج از کشور قرار داده‌اند، پیدا کند. متخصصان دستگاه اطلاعاتی ایران این‌روزها مغز خود را به‌شدت برای یافتن عامل این درز به کار گرفته‌اند. آیا این احتمال وجود دارد که جمهوری اسلامی به‌زودی «طرف خاطی» را برای اعتراف روی پرده تلویزیون بکشاند؟ در هر صورت، محمدعلی ابطحی معاون رییس‌جمهور پیشین از همین حالا درز رسانه‌ای این فایل صوتی سه‌ساعته را با قضیه سرقت اسناد محرمانه‌ی برنامه هسته‌ای ایران مقایسه می‌کند که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در سال ۲۰۱۸ با خوشحالی آن‌را به جهانیان نشان داد.

علی صدرزاده، تحلیلگر مسائل خاورمیانه است.

درخواست افغانستان از دیوان کیفری بین‌المللی:

تحقیقات خود را از حمله بر مکتب سیدالشهدا آغاز کنید

لطف‌علی سلطانی

وزارت خارجه افغانستان به‌تازگی از دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه خواسته است که با دولت افغانستان برای تحقیق درباره‌ی تمامی جرایمی که از سال ۲۰۰۳ به این سو در کشور روی داده است، همکاری و این کار را با تحقیق درباره‌ی فاجعه‌ی خونین اخیر در مکتب سیدالشهدای دشت برچی آغاز کند.

محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه‌ی کشور که به‌منظور گفت‌وگو با دادستان‌های دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه رفته بود شام دیروز (یک‌شنبه، ۱۹ ثور) در یک کنفرانس مطبوعاتی از لاهه گفت که با فاتو بنسودا، دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی صحبت کرده و از او خواسته است که تحقیقاتش را از فاجعه‌ی اخیری که در دشت برچی رخ داد، آغاز کند. آقای اتمر گفت: «خانم بنسودا، سارنوال محکمه شدیدا از رویداد دشت برچی متأثر شده بود. ما گفتیم که دولت افغانستان حاضر است که از شما تقاضا کند که یکجا با ما کار کنید و تحقیقات مشترک را از حادثه دشت برچی آغاز کنید تا به این ترتیب به مرتکبین این جنایت پیام جدی برسد که شما از پنجه‌ی قانون به‌دور نخواهید ماند.»

هنوز هیچ گروه مسئولیت رویداد تروریستی و خونبار مکتب سیدالشهدا را به عهده نگرفته است. گروه طالبان آن را رد و محکوم کرده است. دولت افغانستان اما آن را کار طالبان می‌خواند. با این حال پرسشی که مطرح می‌شود این است: درحالی‌که هیچ گروهی مسئولیت این رویداد را به عهده نگرفته است، دولت افغانستان و دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه چگونه عاملان آن را به عدالت می‌کشد.

وزیر خارجه‌ی کشور در پاسخ به پرسش بالا گفت که هدف از تحقیقات، پیداکردن عاملان این رویداد است. او تأکید کرد که یافتن عاملان این رویداد مکلفیت صددرصدی حکومت افغانستان است و حکومت این کار را انجام خواهد داد: «عاملان این رویداد فراشوتی از آسمان نیامدند. از جایی آمدند، جایی برای‌شان وظیفه سپرده، پول داده و برای‌شان مواد و زمینه‌ی حمله را فراهم کرده است. آنان جنایت را انجام دادند. حالا نهادهای عدلی، قضایی و امنیتی مکلفیت صددرصدی دارند که این جنایت‌کاران را پیدا کنند و به عدالت بکشانند. در این پروسه می‌خواهیم که محکمه بین‌المللی هم دخیل باشد.»

براساس آمار ابتدایی وزارت داخله بیش از ۵۰ نفر و اغلب دانش‌آموزان در این حمله کشته و بیش از ۱۰۰ نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند. اما مسئولان «ستاد مردمی تدفین شهدای معارف» که برای مراسم تدفین قربانیان این رویداد تشکیل شده است، به روزنامه اطلاعات روز گفته‌اند که دست‌کم ۸۱ نفر در این رویداد کشته شده‌اند.

سرور دانش، معاون دوم ریاست‌جمهوری این حمله را مصداق بارز نسل‌کشی عنوان کرد و گفت: «این عمل وحشیانه و ضد انسانی بدون شک از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت است. زیرا به‌طور واضح هدف تروریست‌ها قوم خاص با باورهای خاص است و این فاجعه با هدف نسل‌کُشی و از بین‌بردن یک کتله‌ی اجتماعی صورت گرفته است.»

> **وزیر خارجه‌ی کشور در سخنان دیروزش گفت که عضو نبودن امریکا در دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه، جلوی تحقیق درباره‌ی بررسی جرایمی را که نیروهای امریکایی در افغانستان مرتکب شده‌اند نمی‌گیرد؛ زیرا براساس پیمان امنیتی دوجانبه‌ی امریکا و افغانستان، ایالات متحده مکلف به تحقیق درباره‌ی جرایم مرتکب‌شده توسط عساکرش در افغانستان است.**

دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه صرف درباره‌ی جرایم شناخته‌شده‌ی بین‌المللی تحقیق می‌کند. این جرایم شامل جرایم جنگی، جنایت علیه بشریت و نسل‌کشی می‌شود.

در همین حال کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در واکنش به حمله بر مکتب سیدالشهدا در کابل، گفته است که این کشتار و دیگر خشونت‌ها در افغانستان باید از سوی یک تیم متخصص و مستقل از محققان سازمان ملل متحد بررسی و تحقیق شود. در اعلامیه‌ی این کمیسیون که دیروز (یک‌شنبه، ۱۹ ثور) منتشر شده، آمده است که آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل باید متعهد شود که تیمی از محققان سازمان ملل را به افغانستان بفرستد تا در هماهنگی با یوناما در مورد تمام رویدادهای بزرگی که در افغانستان رخ داده است، حقیقت‌یابی کند.

حکومت افغانستان در سال ۲۰۰۳ عضویت دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه را به‌دست آورد. از همین رو، این دادگاه تنها جرایمی را بررسی می‌کند که از سال ۲۰۰۳ به این‌سو در افغانستان رخ داده است.

یک هیأت به ریاست محمدحنیف اتمر، وزیر امور خارجه کشور و ۱۵ تن از مقام‌های عالی‌رتبه به‌شمول وزیر عدلیه و دادستان کل به هدف گفت‌وگو با دادستان محکمه بین‌المللی جزایی چهار روز پیش به لاهه رفتند.

آقای اتمر در کنفرانس مطبوعاتی دیروز گفت که دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی ابراز علاقه‌مندی کرده که با دولت افغانستان در تحقیق و به دادگاه‌کشاندن جرایمی که پس از سال ۲۰۰۳ در کشور رخ داده است، کمک کند.

آقای اتمر گفت که دو طرف توافق کردند که برای از بین‌بردن فرهنگ معافیت از مجازات باهم کار کنند: «پیشنهاد دولت افغانستان این بود که بتوانیم نظارت دایمی و فعال محکمه بین‌المللی را در روند تحقیق داشته باشیم. پیشنهاد محکمه این بود که از تمام اقدامات نهادهای عدلی و قضایی ما نظارت و به روند تحقیق کمک کند.»

آقای اتمر اضافه کرد که دو طرف توافق کرده‌اند که تمامی اطلاعات مرتبط به جرایم را با هم شریک کنند و برای تحقیق روی آن، یک تیم مشترک نظارتی بسازند.

به گفته‌ی آقای اتمر، دولت افغانستان تا کنون ۱۸۰ پرونده را به‌عنوان نمونه به دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه سپرده است. او گفت: «فهرست قضایایی که به محکمه سپردیم بسیار طولانی و از کنگوری‌های مختلف است. ما به‌عنوان نمونه ۱۸۰ قضیه را به محکمه سپردیم. این صرف نمونه و مشتی از خروار است. تعداد زیادی از قضایا را درباره‌ی داعش، طالبان و حتا عساکر خارجی با محکمه شریک ساختیم.»

در سال ۱۳۹۸ دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه فیصله کرد بود که درباره‌ی جرایم جنگی صورت‌گرفته توسط ایالات متحده‌ی امریکا و طرف‌های دیگر دخیل در جنگ افغانستان باید تحقیق شود. این دادگاه در آن زمان فیصله کرده بود که عملکرد گروه طالبان، حکومت افغانستان و نیروهای امریکایی پس از ماه می سال ۲۰۰۳ میلادی بررسی شود.

اداره‌ی ترمپ اما به آن تصمیم دادگاه کیفری بین‌المللی واکنش تند نشان داد و آغاز تحقیقات را «غیرمنتظره و غیرمسئولانه» خوانده و از آن به‌شدت انتقاد کرده بود. همچنین فاتنو بنسودا، دادستان این دادگاه را هم تحریم کرده بود. این تحریم اما با روی‌کارآمدن اداره‌ی بایدن لغو شد.

امریکا تاکنون عضویت دیوان کیفری بین‌المللی را نگرفته و صلاحیت این دادگاه برای انجام تحقیق درباره‌ی شهروندان امریکایی را به این دلیل که «حاکمیت ملی امریکا» را تهدید می‌کند، به رسمیت نمی‌شناسد.

با وجود این، وزیر خارجه‌ی کشور در سخنان دیروزش گفت که عضو نبودن امریکا در دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه، جلوی تحقیق درباره‌ی بررسی جرایمی را که نیروهای امریکایی در افغانستان مرتکب شده‌اند نمی‌گیرد؛ زیرا براساس پیمان امنیتی دوجانبه‌ی امریکا و افغانستان، ایالات متحده مکلف به تحقیق درباره‌ی جرایم مرتکب‌شده توسط عساکرش در افغانستان است.

آقای اتمر در بخش دیگر از سخنانش گفت که با محکمه بین‌المللی این پرسش را مطرح کرده است که چطور می‌شود یک ساختار بازدارنده ایجاد کرد که به جنایت‌کاران این پیام را برساند که که عصر معافیت در برابر قانون گذشته و عاملان کشتار مردم افغانستان نه‌تنها از سوی دولت افغانستان بلکه توسط مراجع بین‌المللی نیز به محاکمه کشانیده می‌شوند.

طبق اساس‌نامه‌ی روم، اولویت با دولت افغانستان است که تحقیقات را انجام دهد و عاملان جنایت‌ها را محاکمه کند. دادگاه بین‌المللی در صورتی تحقیق مستقیم انجام می‌دهد که دولت نتواند یا اراده‌ای برای تحقیق و محاکمه نداشته باشد.

دادگاه کیفری بین‌المللی در سال ۱۳۹۶ اعلام کرد که تحقیقاتش را در مورد جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت در افغانستان آغاز می‌کند. این دادگاه تا سال ۱۳۹۸ اقدام عملی در این راستا انجام نداد تا در نهایت اعلام کرد که قاضیان این دادگاه درخواست آغاز تحقیق درباره‌ی جنایت‌های جنگی و جرایم علیه بشریت در افغانستان را رد کرده‌اند.

حالا وزیر خارجه‌ی کشور می‌گوید که دادگاه کیفری بین‌المللی از یک سال به این سو روی چگونگی همکاری در راستای بررسی پرونده‌ها با دولت افغانستان کار می‌کند. او گفت: «محکمه‌ی بین‌المللی از یک سال به این سو همراه با دولت افغانستان از نزدیک یک پروسه را به راه‌انداخته است تا اجرائات دولت افغانستان را در مورد جرایم و این‌که چگونه می‌تواند در آینده با نهادهای عدلی و قضایی دولت افغانستان ادامه دهد بررسی کند.»

ترجمه

بایدن تصمیم درستی در قبال افغانستان گرفت

مایکل مکنلی، سفیر سابق امریکا در افغانستان
مترجم: علی‌احمد حبیبی

از سال ۲۰۰۱ به این‌سو، دولت‌های متمادی امریکا سیاست خارجی را از طریق منشور «جنگ جهانی با تروریسم» در قالب جنگ‌های افغانستان و عراق، در مرزهای خاورمیانه را به‌صورت گسترده در پیش گرفته بودند. در حالی‌که توجه واشنگتن به این نگرانی‌ها معطوف بود، چین به‌عنوان «یک رقیب استراتژیک» جهانی ظاهر شد و روسیه هم برای قهرمانی در شرق اروپا و خاورمیانه تلاش می‌کرد. اما امریکا انرژی خود را بیشتر بر توسعه تعامل ناتو در خارج از منطقه «در افغانستان و خاورمیانه» فراتر از نگرانی‌های شرکایش در اروپا، متمرکز کرد. و درحالی‌که جهان دستخوش تحولات اقتصادی و اجتماعی عمیقی قرار گرفت، امریکا بیش از ۳ هزار میلیارد دلار هزینه کرد و بیش از دو میلیون جوان امریکایی را به جنگ و مرگ در این درگیری‌ها فرستاد، در حالی که در مدرن‌سازی اقتصاد، زیرساخت‌ها و بهداشت و سیستم‌های آموزشی خود تا کام ماند.

با وجود این اگر سیل مقالات طی دو ماه گذشته و واکنش‌ها به اعلامیه رییس‌جمهور را تصویر افکار عمومی امریکا بدانیم، بیشتر سیاست‌مداران در واشنگتن هنوز افغانستان را به‌عنوان مرکز منافع امنیت ملی امریکا می‌دانند. همچنین این برداشت وجود دارد که امریکا همچنان مسئولیت اخلاقی باقی‌ماندن در افغانستان را در خود می‌بیند. تصوری که باعث فداکاری‌های عظیم امریکایی‌ها در طول ۲۰ سال گذشته شده است. از طرفی هم بخش عمده‌ای از بدنه سیاسی بر این باورند که امریکا به مرز دست‌آوردهایی که می‌تواند از نظر نظامی به‌دست بیاورد، رسیده است.

مدافعان ادامه درگیری نظامی امریکا، به ندرت میزان تغییرات فضای بین‌المللی و جایگاه افغانستان از آغاز درگیری‌ها در آن را در نظر می‌گیرند و استدلال‌هایی که آن‌ها به‌کار می‌برند، منسوخ شده است.

استدلال‌های بی‌رنگ

اگر به گفته بسیاری، امریکا باید به مدت نامحدود در افغانستان بماند تا از وقوع ۱۱ سپتمبر دیگر جلوگیری کند، باید پرسید که چرا ما حضور خود را در سایر نقاطی که «حاکمیت دولتی» در آن‌ها وجود ندارند، افزایش نمی‌دهیم: ساحل عاج، سومالی و عراق همه به طور قابل توجهی به امریکا نزدیک هستند و شاخه‌های القاعده و دولت اسلامی (یا داعش) در این کشورها به طور قابل توجهی قدرتمندتر از گروهک‌های تروریستی در افغانستان هستند. در حقیقت امریکا، متناسب با اهداف ابتدایی هجوم نظامی به افغانستان، موفقیت چشمگیری در کاهش تهدید مستقیم تروریزم در آن کشور داشته است.

اما اگر بحث بر سر این است که قوای امنیتی افغانستان هنوز پس از ۲۰ سال و صرف صدها میلیارد دالر سرمایه‌گذاری بر این نیروها، قادر نیستند طالبان را به عقب برانند، نباید پرسید که چرا؟ با وجود این، امریکا متعهد است که حمایت‌های مالی خود از قوای افغانستان را داشته باشد. بحثی که به آن پرداخته نمی‌شود این است که سربازان امریکایی باید برای برقراری امنیت خاک امریکا و شهروندان در مرز و بوم این کشور به کار گرفته شوند.

شاید این استدلال درست باشد که حضور نظامی امریکایی‌ها برای حمایت از روند آشتی در افغانستان ضروری است. اما سپس این سوال مطرح می‌شود که چرا پس از ۲۰ سال، رهبران سیاسی افغانستان هنوز نمی‌توانند نقاط مشترکی برای متحدشدن در برابر طالبان، گروهی که بیشتر مردم افغانستان از آن بیزار هستند، پیدا کنند؟ اگر همچنان، چه در زمان کنونی و چه یک سال پس از آن‌که امریکا این کشور را در تاریخ تعیین‌شده ترک کند، و کابل هنوز با اختلافات سیاسی درگیر باشد، حضور نامحدود ارتش امریکا باعث ایجاد وحدت نخواهد شد. با حضور یا عدم حضور نیروهای امریکایی تصمیم برای آینده کشور در دست خود افغان‌ها است.

> **واشنگتن هنوز هم می‌تواند با همکاری با کشورهایی که در حمایت از مذاکرات همکاری می‌کنند، نقشی اساسی در رسیدن به یک قطع‌نامه‌ی صلح‌آمیز در افغانستان داشته باشد. حتا می‌توان از عقب‌نشینی اعلام‌شده به‌عنوان اهرمی برای اتحاد و تلاش بیشتر در میان رهبران سیاسی افغانستان در کابل استفاده کرد.**

از طرفی، هستند کسانی که معتقدند امریکا موظف است از دستاوردهای اجتماعی و دموکراتیک افغانستان محافظت کند. اما علاوه بر مصرف بیش از ۸۰۰ میلیارد دالر هزینه حمایت از تلاش‌های ارتش امریکا در درگیری‌ها، این کشور بیش از ۴۰ میلیارد دالر در زمینه حمایت‌های انکشافی و توسعه اجتماعی در افغانستان سرمایه‌گذاری کرده است. امریکا می‌تواند تعهدات ملتسازی و بشردوستانه در این مقیاس را در سایر نقاط جهان، حتا در همسایگی خود انجام دهد اما نمی‌کند، زیرا چنین سرمایه‌گذاری‌هایی در بلندمدت پایدار نیست. با آن‌هم، کمک‌های انکشافی به افغانستان می‌تواند ادامه یابد، مشروط بر مدیریت بهتر برای جلوگیری از تقلب، اتلاف و سوء مدیریتی که از سال ۲۰۰۹ بیش از ۱۹ میلیارد دالر برای امریکا هزینه داشته است.

حمایت، لزوما نمی‌تواند حمایت نظامی باشد

این نوشته‌ی من از نگاه یک ناظر بی‌طرف نیست: من از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ سفیر امریکا در کابل و در تصمیمات مربوط به مذاکره با طالبان در سال‌های ۲۰۱۸ و ۱۹ مشاور ارشد وزیر امور خارجه بودم. من می‌دانم که بازگشت طالبان خارج از محدودیت‌های یک روند صلح موفقیت‌آمیز، باعث ایجاد فاجعه برای زنان، تعلیم و تربیه و کل کشور افغانستان خواهد شد. و می‌دانم آینده نامشخص است.

من این را هم می‌دانم که ۲۰ سال درگیری نظامی ما در افغانستان راه‌حل نظامی‌ای را در پی نداشته است، و ده‌ها مرتبه دیگر هم در پی نخواهد داشت. واشنگتن هم نباید دچار این توهم باشد که اگر نیروهای امریکایی بمانند، آن‌ها بیشتر هدف حمله قرار می‌گیرند، بلکه در پی حضور گسترده‌تر دیپلماتیک امریکا نیز چنین خواهد شد. آن‌هایی که تصمیم رییس‌جمهور بایدن را مورد انتقاد قرار می‌دهند، باید این سوال را از خود داشته باشند که چرا در پی تلفات گسترده امریکایی‌ها در سال‌های گذشته، تصمیم به ماندن گرفته بودند؟ امریکا همچنین نمی‌تواند علی‌رغم پیشنهاد بسیاری از تحلیلگران، یک توافق‌نامه سیاسی را بر افغانستان تحمیل کند. از طرفی هم واشنگتن نتوانسته است مانع دخالت کشورهای منطقه‌ای شود، آن‌ها به دخالت‌های خود ادامه خواهند داد.

بااین‌حال، تصمیم رییس‌جمهور بایدن صرفا یک پیشنهاد نیست. از طرفی هم امریکا مجبور نیست چون که نیروهای خود را بیرون می‌کشد افغانستان را فراموش کند. واشنگتن هنوز هم می‌تواند با همکاری با کشورهایی که در حمایت از مذاکرات همکاری می‌کنند، نقشی اساسی در رسیدن به یک قطع‌نامه‌ی صلح‌آمیز در افغانستان داشته باشد. حتا می‌توان از عقب‌نشینی اعلام‌شده به‌عنوان اهرمی برای اتحاد و تلاش بیشتر در میان رهبران سیاسی افغانستان در کابل استفاده کرد.

وزیر امور خارجه آنتونی بلینکن در ۱۵ اپریل به افغانستان سفر کرد و «بر همکاری امنیتی» کشورش با کابل بار دیگر تأکید کرد. خروج نظامی نباید کمک‌های امریکا و شرکای بین‌المللی‌اش را در کمک به نیروهای امنیتی افغانستان و حمایت از توسعه اجتماعی به‌ویژه حقوق دستاوردهایی که زنان و دختران طی ۲۰ سال گذشته داشته‌اند، متوقف کند. علاوه بر این، ممکن است که امریکا بخواهد سطح کمک‌های انکشافی خود که در واقع دولت قبلی در کنفرانس کمک کنندگان افغانستان در نوامبر ۲۰۲۰ کاهش داد، را افزایش دهد. امریکا می‌تواند به کار منطقه‌ای خود در زمینه مقابله با تروریسم و سایر تهدیدات بالقوه ادامه دهد. هیچ یک از دولت‌های منطقه‌ای حتا کشور ایران، علاقه‌مند به دیدن فروپاشی افغانستان یا باز شدن درها برای القاعده نیستند. همسایگان افغانستان و حتا دشمنان ما در پایداری این کشور سهم بزرگی دارند.

اما فدا کردن زندگی امریکایی‌ها – در قالب ادامه حضور نظامی – بیش از این تصمیمی کاملا اشتباه خواهد بود. همان‌طور که اخیرا اتلافی از انجمن‌های پیشکسوتان به رییس‌جمهور نوشتند که ما نباید «از زنان و مردان خود بخواهیم که با یونیفورم‌های خود در مناقشه‌ای بدون هیچ توجیه نظامی مشخص و یا امیدی برای پیروزی حضور داشته باشند.» همان‌طور که در سال‌های حضورم در کابل در مراسم عزای سربازان ازدست‌رفته امریکایی و قوای ائتلاف شرکت می‌کردم و در عین‌حال می‌دیدم که طالبان در میدان نبرد همچنان به موفقیت دست می‌یافتند، غم شریکی با آنان برایم دشوارتر می‌شد.

درباره‌ی چارچوب زمانی که رییس‌جمهور بایدن پیشنهاد کرده است، بحث و گفت‌وگوها جریان خواهد داشت، اما زمان برای درگیری نظامی تمام شده است. دولت پیشین جمهوری‌خواهان هنگام تعیین مهلت خروج کامل در اول ماه می سال جاری، مهر تأیید بر این واقعیت زده بود. امریکا اکنون باید نگرانی‌های شدیدتر ملی و بین‌المللی دیگری را که از سال ۱۹۴۵ تاکنون به آن نپرداخته است، دنبال کند. درگیری‌های دیروز و نوع نگاه دیروز نسبت به تهدیدهای امنیتی، به پیشرفت کشور کمک نمی‌کند. آینده امریکا، به هر سمتی که برود، در ادامه‌ی «جنگ‌های ابدی» نخواهد بود.

منبع: فارن افرز

تحلیل

تروریسم نو در افغانستان؛ روش‌ها و هدف‌ها

ایومسلم خراسانی

جامعه‌پژوهان وابسته به مکتب تکامل‌گرایی باور دارند که پدیده‌های اجتماعی در حال تطور و تکامل بوده و از همین‌رو پدیده‌های اجتماعی شکل ثابت نداشته و بر محور زمان و مکان مستعد تغییرات تاریخی و جغرافیایی می‌باشند. اگوست کنت، جان‌لاک و روسو از بزرگ‌ترین اندیشمندان وابسته به مکتب تکامل‌گرایی بوده‌اند که از این روزنه بر جهان نگاه می‌کردند. بر پایه‌ی این رهیافت پدیده‌های اجتماعی، نگرش‌های جمعی و در کل جامعه انسانی در حال تکامل هستند که از آن گاهی به‌عنوان داروینسم اجتماعی نیز یاد می‌شود. با این بیان تروریسم به‌عنوان یک پدیده اجتماعی که مرزهای جغرافیای انسانی را درنوردیده و زمانه‌ها و زمینه‌ها را از انسان امروزی گرفته است، دچار تغییر و دگردیسی شده است که استراتژیست‌های مطالعات راهبری و امنیت از آن به‌عنوان تروریسم نو یاد می‌کنند. تروریسم که ابزارهای کاربست خشونت، روش‌های رسیدن به مقصد، و مخاطب و قربانی‌اش تغییر کرده تا به گونه‌ها دیگر انسان بکشند و فضای نفس‌کشیدن را برای کتله‌های انسانی و خصوصا کشورهای شکننده تنگ‌تر کند.

در افغانستان، پیشینه‌ی ورود تروریسم به خروج نیروهای روسی در سال ۱۹۸۹، جنگ سرد، نبردهای داخلی بر سر قدرت بین گروهای جهادی و ظهور طالبان برمی‌گردد. اکنون این پدیده ورزیده‌تر، تکامل‌یافته‌تر و دارای ابعاد و زمینه‌های متنوع شده است که منش‌ها و کنش‌های آن‌ها از دهه هشتاد و نود تا حال بسیار تغییر کرده است. اکنون بیش از ۲۰ گروه تروریستی با ابعاد محلی، منطقه‌ای و جهانی در افغانستان فعالیت دارند و مبارزه‌ی بیست‌ساله‌ی ناتو و جامعه جهانی از رشد سرسام‌آور این گروه‌ها در افغانستان نکاسته است. تروریسم جهانی بعد از سال ۲۰۰۱ به‌گونه‌ی تدریجی تکامل کرده و ابزارها و روش‌هایش را تغییر داده است که نمودارهای آن در عراق و افغانستان و کشورهای مستعد زایش تروریسم و خشونت دیده می‌شود. سر بریدن شکریه تبسم که موج از اعتراضات جهانی را برانگیخت و وضعیت کابل را ملتهب کرد، نمونه‌ای از نوع تکامل‌یافته‌ی تروریسم در افغانستان است. با حملات بر اماکن عمومی، دانشگاه‌ها، حملات بر غیرنظامیان از نوع تکامل‌یافته‌ی تروریسم است که از آن به‌عنوان تروریسم نو یاد می‌شود.

گرچه تروریسم تعریف واحد در دنیا ندارد اما عدی استفاده از خشونت برای اهداف سیاسی که توسط گروه‌های فرودولتی انجام می‌پذیرد را تروریسم می‌نامند. بر پایه این تعریف نخست اعمال تروریستی توسط نیروهای فرودولتی و زیرزمینی انجام می‌پذیرد و دوم بیشتر برای دست‌یابی به اهداف سیاسی صورت می‌پذیرد. از این‌رو تروریسم سنتی روش سنتی برای کاربست خشونت، روش سنتی کهنه برای دست‌یابی به هدف و قربانی و مخاطب داشت و تروریسم نو نظر به شرایط سیاسی، محیط امنیتی و بن‌بست و پیچ‌دارهای جدید خود را عیار کرده و مطابق به زمانه‌ها و زمینه‌های خود عمل می‌کنند. فرامرز تمنا، پژوهشگر صلح و امنیت در دانشگاه افغانستان باور دارد که تروریسم نو از نظر نوع عملیات، منابع پولی و بودجه‌ای و قابلیت‌ها با تروریسم سنتی تفاوت دارد. به باور تمنا تروریسم نو از مزایایی جهانی و تکنولوژی مدرن در نوع عملیات‌های خود استفاده می‌کنند. مزید بر آن، قابلیت‌های مالی و روند دست‌یابی به منابع مالی این گروه‌ها وسیع‌تر شده و قابلیت‌های‌شان نظر به مؤلفه جهانی‌شدن و استفاده از تکنولوژی مدرن تغییر کرده است که این ابزارها خشونت‌بارتر، ویران‌گرتر و زمینه‌های بی‌رحمی بیشتر را مساعد کرده که نمایش هالیوودی خشونت و کشتار توسط داعش از مصداق‌های آن است.

هدف تروریسم نو؛ قربانی یا مخاطب؟

تروریسم نو مخاطب‌محور است. این مورد یکی از صلی‌ترین تفاوت‌های تروریسم سنتی با تروریسم نو می‌باشد که متأثر از دگردیسی کاربست ابزار خشونت برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی است. استراتژیست‌های نظامی تروریسم نو به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از رسانه‌ها برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، ایجاد رعب وحشت در میان توده‌ها و «مدیریت توحش» مؤثریت مضاعف نسبت به جنگ‌های متعارف در میدان‌های نبرد دارد. از همین‌رو تروریسم نو قربانی‌هایی را انتخاب می‌کند که بیشترین تأثیر بر افکار عمومی و دنیای رسانه‌ای داشته باشد. آن‌ها به این فکر نمی‌کنند که قربانی آن‌ها کی است بلکه توجه به این دارند که ترور این فرد چقدر می‌تواند غوغای رسانه‌ای برپا کرده، حضور آن‌ها را سرخط خبرها کرده و بر سر زبان‌ها بیارود.

از همین‌رو شماری از پژوهشگران حوزه رسانه‌ها باورمندند که رسانه‌ها به صورت ناخودآگاه در خدمت تروریسم نو قرار گرفته و ابزاری شده‌اند برای تأثیرگذاری نمایش‌های هالیوودی خشونت‌ها، قصاوت‌ها و بی‌رحمی‌های این گروه‌ها در جهان و افکار عمومی. در حالی که تروریسم سنتی میانه خوبی با تکنولوژی، رسانه و ابزارهای مدرن نداشتند و عملیات‌های آن‌ها قربانی‌محور بود، به‌گونه‌ای که دست به ترور افراد مشخص می‌زد. اما تروریسم نو رسانه و انترنت را به مثابه یک ابزار قدرت‌مند در اختیار دارد و فقط به مخاطب‌های جهانی خود توجه دارد تا فضا را ملتهب کرده و احساسات میلیون‌ها تن را برانگیزاند. آن‌ها به این فکر نمی‌کنند که کی می‌میرد بلکه به این اهمیت می‌دهند که این عملیات چقدر سر و صدا به پا کرده و فضا را متشنج می‌کنند.

خروج امریکا و تروریسم نو

خروج کامل نیروهای امریکایی و ناتو از افغانستان روایت پیروزی تروریسم جهانی را تقویت کرده و زمینه‌های نفوذ بیشتر این گروه‌ها در منطقه را افزایش می‌دهد. به نظر جنگ‌جویان القاعده پیش‌بینی اسامه بن‌لادن تجارت‌پیشه عرب‌تبار که برای خروج امریکایی‌ها از کشورهای اسلامی آستین برزد تحقق یافته و امریکا، این یگانه هژمونی قدرت و سلطه در جهان، در حال خروج از سرزمین‌های اسلامی می‌باشد. گروه القاعده و طالبان نیز به‌عنوان متحدان القاعده که برای جهادگران عرب و اسامه بن‌لادن آغوش باز کردند، نگرش پیروزمندانه دارند که آن را می‌شود از گزارش CNN که با اعضای القاعده مصاحبه کرده و از پیام‌عیدی رهبر گروه طالبان فهمید. روایت پیروزی این گروه‌ها برای امنیت منطقه و جهان بسیار زیان‌بار و خطرآفرین است و در واقع این پیام را برای گروه‌های تروریستی دیگر در منطقه و جهان می‌دهد که می‌شود بزرگترین قدرت‌های جهان را شکست داده و روایت پیروزی را در برابر قدرت‌های نظامی جهان خلق کرده است.

با توجه به ظرفیت و حضور جنگ‌جویان خارجی از دولت اسلامی، داعش تا اویغورهای بدخشان که پایگاه‌های نظامی و پول هنگفت در اختیار دارند و از ازبیک‌های مستقر در شمال تا لشکر طیبه و جنگ‌جویان ناراض از طالبان این را می‌شود پیش‌بینی کرد که امنیت منطقه و جهان منتظر یک تهدید جدی هست. همان‌طور که حضور و خروج نیروهای روسی در سال ۱۹۸۹ زمینه‌های سرازیر شدن تروریسم در افغانستان را مساعد کرد، حضور و خروج نیروهای خارجی تروریسم را در افغانستان با ابزارها و روش‌های آن‌ها گسترش می‌دهد. گرچه نیروهای امنیتی-دفاعی افغانستان توانایی مبارزه با این گروه‌ها را دارند ولی بدون حمایت جهانی مبارزه با بیست گروه تروریستی که هر کدام ابزارها و میدان‌های زیاد داشته و در محیط محلی و منطقه‌ای فعالیت دارند، کاری‌ست دشوار که بدون هماهنگی، حمایت دوام‌دار و همکاری همه‌جانبه جهان و منطقه ممکن نیست.

بار جنگ، که قبلا ۴۰ کشور قدرت‌مند دنیا در افغانستان به دوش داشتند، اکنون به شانه‌های ستبر نیروهای امنیتی افغانستان است که هر چند به باور نگارنده بسی سنگین است.

افغانستان یکی از اهداف مانور خشونت‌های هالیوودی تروریسم نو در منطقه و جهان خواهد بود. تروریسم که محصول جهانی شدن است، مرز و زمان را نمی‌شناسد و اگر این گروه‌ها در افغانستان پیروز شدند، منطقه و جهان نیز آرام نخواهند خوابید. از این‌گاه مبارزه به تروریسم و ابزارهای نو آن باید در صدر برنامه جامعه جهانی باشد. این‌بار اما قضیه از آن‌جا پیچیده‌تر می‌شود که تروریسم نو ادعای پیروزی دارد و کاربست ابزارها و روش‌هایش را مؤثرتر و کارآمدتر می‌داند. حمله بر مکتب سیدالشهدا در غرب کابل تلنگر حضور پرقدرت تروریسم نو برای جهان است. این حملات خشم جهانی را برانگیخته و بیشتر از ۵۰ دانش‌آموز قربانی گرفته است و به قدری وحشیانه و رذیلانه بود که موج بزرگ از احساسات را برانگیخته و کابل را مانند ماهی‌تابه به روی قوغ آتش ملتهب و فورانی کرد. القاعده و داعش به‌عنوان دو گروه تروریستی جهانی نمودارهایی از تروریسم نو در منطقه و جهان است که به تعقیب آن آینده‌ی افغانستان را تهدید می‌کند؛ افغانستانی که خشونت‌ها به‌گونه‌ی بی‌سابقه در آن افزایش یافته و درگیری‌هایی زمان‌بر و جنگ‌های ویران‌گر شرایط را بر باشنده‌های فقیرش تنگ کرده است.

در درگیری پولیس اسرائیل با فلسطینیان در اورشلیم بیش از ۳۰۰ نفر زخمی شدند

اطلاعات روز: با تشدید درگیری‌ها میان نیروهای پولیس اسرائیل با فلسطینیان که در محدوده مسجد الاقصی، معروف به «حرم شریف» در شرق بیت‌المقدس/اورشلیم جریان دارد، روز دوشنبه، ۲۰ ثور، شمار کثیری از فلسطینیان زخمی شده‌اند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس شمار فلسطینیان زخمی‌شده در این روز را بیش از ۳۰۰ نفر گزارش می‌کند.

به نقل از رادیو فردا، همزمان، فلسطینیان و سازمان‌های مدافع آنها از آغاز «جنگ دینی» برای دفاع از «حرم شریف» خبر داده و ناآرامی‌ها به طرز کم‌سابقه‌ای به‌شماری از شهرهای عرب‌نشین شمال اسرائیل سرایت کرده ولی از سوی دیگر اسرائیل برگزاری «جشن سالروز یکپارچگی اورشلیم» را برای روز دوشنبه تدارک دیده‌است.

به گزارش رسانه‌های اسرائیل و خبرگزاری‌ها، صدها پولیس و نیروی گارد مرزی اسرائیل بامداد دوشنبه، برای سومین بار در روزهای گذشته وارد محوطه مساجد الاقصی و عمر، موسوم به «حرم شریف» شدند تا فلسطینیان معتکف در مساجد را به «نظم و آرامش» برگردانند.

هلال احمر فلسطینی در ساعات اولیه درگیری در بامداد دوشنبه از انتقال دست‌کم ۸۰ زخمی به بیمارستان‌های شرق اورشلیم خبر داد. ولی فلسطینیان حاضر در محل از طریق شبکه‌های اجتماعی خبر داده‌اند که «صدها تن» درون حرم زخمی شده و هنوز شمار زیادی از آنها تخلیه نشده‌اند.

ناآرامی و درگیری به کوچه‌های اطراف حرم سرایت کرده و صدها فلسطینی، عمدتاً از میان جوانان و نوجوانان و پولیس، در تعقیب و گریز هستند.

پولیس اسرائیل گفته‌است که فلسطینیان مسئول ادامه بحران هستند زیرا از درون حرم به سوی نیروها سنگ و بطری پرتاب کردند. به گفته سخن‌گوی پولیس، یعکوو شبتای، فرمانده کل پولیس، شخصاً فرمان ورود نیروها به حرم را صادر کرد.

نخست‌وزیر اسرائیل نیز از ورود نیروی پولیس به درون حرم در رویدادهای جمعه شب و شنبه شب که بیش از ۳۰۰ زخمی برجای نهاده بود، حمایت کرده و آن را نشان قاطعیت اسرائیل در حاکم کردن نظم و آرامش نامیده بود. بنیامین نتانیاهو در همین حال تأکید کرده که به اصل آزادی ادیان «پایبند است».

فرمانده پولیس اورشلیم گفته‌است که پیوستن هزاران تن از اعراب از شمال اسرائیل به فلسطینیان شرق اورشلیم سبب گسترش درگیری‌ها از بامداد روز دوشنبه شده‌است.

صدها تن از اعراب در شمال اسرائیل، از جمله در حیفا و ناصره، نیز یکشنبه شب، با برافروختن حلقه‌های آتش و سردادن شعار در حمایت از «حرم شریف» و فلسطینیان ساکن شرق بیت‌المقدس، با نیروهای اسرائیلی درگیر شدند.

بروز درگیری و تظاهرات در شهرهای عرب‌نشین شمال اسرائیل، پس از تظاهرات گسترده ۲۱ سال پیش در اعتراض به کشته شدن ۷ شهروند عرب، کمتر سابقه داشته‌است.

کمیسیون عالی پیگیری امور اعراب شهروند اسرائیل، روز دوشنبه به اسرائیل «هشدار» داد که «جنگ دینی» برای دفاع از «کرامت قدس» آغاز شده‌است. این کمیسیون اعراب را فراخواند به «برادران فلسطینی خود بپیوندند».

از سوی دیگر، با وجود تشدید بحران، آیینی که اسرائیل آن را از نیم قرن پیش به عنوان «سالروز یکپارچگی اورشلیم» برگزار می‌کند، از بامداد دوشنبه از خیابان‌های غرب اورشلیم آغاز شده‌است.

اسرائیل سالروز تسلط بر شرق اورشلیم را که حاصل جنگ ۵۴ سال پیش با کشورهای عربی بود، هر سال در روزی که با تاریخ عبری آن، و نه تاریخ میلادی این روز، مصادف است، «جشن می‌گیرد».

شماری از مقامات امنیتی اسرائیل پیشاپیش ابراز «نگرانی» کرده بودند که برگزاری این مراسم در حالی که درگیری‌های جدید در حرم شریف و محله فلسطینی‌نشین «شیخ جراح» در شرق اورشلیم در جریان است، کاری درست نیست.

اما بنیامین نتانیاهو و موشه لئون، شهردار اورشلیم/بیت‌المقدس، که سیاستمدار حزب لیکود است، به برگزاری آیین اصرار کرده‌اند.

فرمانده پولیس اورشلیم نیز گفته‌است که راهپیمایی موسوم به «رژه پرچم‌ها» باید در آیین «روز اورشلیم» برگزار شود و دلیلی برای لغو این بخش از مراسم نیست.

از سوی دیگر، دیوان عالی اسرائیل جلسه اعلام حکم در خصوص سرنوشت مالکیت زمین‌های محله «شیخ جراح» در شرق اورشلیم را برای یک ماه به تعویق انداخته‌است.

قرار بود نشست دیوان عالی روز دوشنبه برگزار شود اما آویخای مندل‌بلیت، دادستان ارشد اسرائیل، نظر به حساسیت وضعیتی که اسرائیل در آن گرفتار شده، به تعویق آن، توصیه کرده بود. دیوان جلسه را دست‌کم تا یک ماه معوق کرده‌است.

بحران این بار میان فلسطینیان و اسرائیل از موضوع اختلاف مالکیت بخشی از خانه‌های محله «شیخ جراح» آغاز شد و در ادامه، ابعاد تازه‌ای گرفت. تظاهرات در یکشنبه شب در این محله حداقل ۱۴ زخمی را راهی بیمارستان کرد.

درگیری‌ها به کرانه باختری نیز کشیده شده و فلسطینیان همچنین از غزه یکشنبه شب یک راکت به سوی منطقه «اشکول» در جنوب اسرائیل شلیک کردند.

در این میان، ارتش اسرائیل نیز سه تیپ از نظامیان خود را برای «کمک به استقرار نظم وآرامش» در مناطق حساس، از جمله در ایستگاه‌های بازرسی کرانه باختری و در نزدیکی مرز با نوار غزه، مستقر کرده‌است.

تشدید بحران در حالی است که جامعه جهانی، به‌ویژه کشورهای عربی، از اسرائیل که عامل مسلط بر شرق اورشلیم است، خواسته‌اند در برخورد با فلسطینیان شکیبا باشد.

شورای امنیت سازمان ملل دوشنبه نشست ویژه‌ای برای رسیدگی به بحران اورشلیم برگزار می‌کند.

وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب نیز جلسه حمایت از فلسطینیان را برای این هفته تدارک دیده‌اند.

جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی امریکا، یکشنبه شب در گفت‌وگوی تلفنی با همتای اسرائیلی خود، مئیر بن‌شبات، به او گفت که دولت واشینگتن از عواقب بیرون‌راندن ساکنین محله «شیخ جراح» از خانه‌های‌شان «عمیقاً نگران است.»

نگرانی دولت جو بایدن نسبت به رویکرد دولت و نظامیان اسرائیل در حالی است که امریکا در زمان ریاست‌جمهوری دونالد ترمپ، با حمایت قاطع از اسرائیل، اورشلیم را به عنوان «پایتخت اسرائیل» به رسمیت شناخت و سفارت امریکا در اسرائیل را به اورشلیم منتقل کرد. صدها فلسطینی در تظاهرات اعتراض به آن تصمیم امریکا کشته و هزاران تن زخمی شدند.

مذاکرات احیای برجام؛
ایران می‌گوید امریکا «با بخش عمده‌ای» از خواسته‌های تهران موافقت کرد

اطلاعات روز: سعید خطیب‌زاده، سخن‌گوی وزارت امور خارجه ایران، گفته است که در جریان مذاکرات غیرمستقیم ایران و امریکا در وین برای احیای توافق هسته‌ای برجام، ایالات متحده «در چارچوب تعهدات خود بخش عمده‌ای از کاری که باید انجام دهد و ما هم آنها را ضروری می‌دانیم، قبول کرده است».

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، سخن‌گوی وزارت خارجه ایران گفته است کشورش در مذاکرات جاری در وین پیگیر «بخشی است که امریکا قبول نکرده» است. وی جزئیات این بخش را اعلام نکرده اما پیش از این عباس عراقچی مذاکره ارشد اتمی ایران گفته بود که خواسته این کشور رفع تمامی تحریم هایی است که در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترمپ اعمال شده است.

ایالات متحده می‌گوید برخی از این تحریم ها مثل تحریم‌های حقوق بشری مانع اجرای توافق هسته ای محسوب نمی شود اما ایران می‌گوید هدف از اعمال آن با هدف احتمالی ناکام گذاشتن احیای توافق برجام بوده است.

درارتباط با موافقت ایالات متحده با خواسته های ایران، دو روز پیش از این حسن روحانی، رییس‌جمهور ایران، هم گفته بود امریکا با رفع اغلب تحریم‌های ایران موافقت کرده است. امریکا اظهارات مقام های ایرانی را رد یا تایید نکرده اما دو طرف می گویند که برای رسیدن به توافق نهایی، «اختلافات جدی باقی است».

«دستورالعمل مذاکرات در تهران تعیین می شود»

سخن‌گوی وزارت خارجه ایران درباره تعیین دستور العمل برای مذاکره کنندگان این کشور در وین گفته است که این موضوع در تهران و از سوی شورای عالی امنیت ملی تعیین می شود و روزانه به این افراد اطلاع داده می شود.

مصوبات شورای عالی امنیت ملی باید به تایید آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران، برسد.

در تازه ترین تحولات در وین، عباس عراقچی که از اواخر هفته گذشته برای ادامه مذاکرات در این شهر به سر می برد گفته است که احتمال دارد اگر پیشرفت مذاکرات ادامه داشته باشد، توافق سه ماهه ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی که اوایل خرداد یعنی حدود دو هفته دیگر به پایان می رسد، تمدید شود.

این توافق در زمانی با آژانس به دست آمد که ایران اجرای پروتکل الحاقی را با هدف اعمال فشار به دولت جدید امریکا برای رفع تحریم های ایران متوقف کرد و سطح بازرسی های آژانس را کاهش داد.

بر اساس این توافق ایران سه ماه به دوربین های آژانس اجازه می دهد بر فعالیت های ایران نظارت کنند اما دسترسی به محتوی آن در صورتی است که تحریم ها بر داشته شده باشد در غیر این صورت ایران گفته است که اطلاعات ذخیره شده در آن را پاک می کند.

آقای عراقچی در جریان مذاکرات وین برای احیای توافق برجام چند بار با رافائل گروسی مدیرکل آژانس دیدار داشته و اعلام کرده است که وی برای حضور در نشست کمیسیون مشترک بر جام، دعوت خواهد شد تا «نظرات کارشناسی خود را ارائه کند».

پیش از آن مجتبی ذوالنوری، رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در ایران گفته بود اگر تا سوم خرداد مذاکرات احیای برجام به نتیجه نرسد، طبق قانون لغو تحریم‌ها دوربین‌های آژانس بین المللی انرژی اتمی در مراکز هسته‌ای ایران خاموش می‌شود.

انریکه مورا معاون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که مشترکا با عباس عراقچی مذاکره کننده ارشد اتمی ایران ریاست جلسات کمیسیون مشترک را بر عهده دارند گفته است با اینکه ضرب‌الاجلی برای به نتیجه رسیدن مذاکرات وجود ندارد اما وی «احساس اضطراری خاصی» می‌کند.

ایران و امریکا ارزیابی متفاوتی از این مذاکرات دارند. مقام های ایرانی عمدتا دیدگاه خوشبینانه به مذاکرات داشته اند در حالی که مقام‌های امریکا از جمله وزیر خارجه این کشور می‌گویند «راه درازی» تا توافق احتمالی باقی است.

هدف از مذاکرات احیای برجام بازگرداندن محدودیت ها بر برنامه اتمی ایران در ازای رفع تحریم های ایالات متحده است. هر دو کشور ایران و امریکا می گویند برای رسیدن به توافق انگیزه دارند اما خواسته های طرف مقابل را یکی از موانع توافق فوری اعلام می کنند.

ایران باید ذخایر اورانیوم غنی شده خود را به میزان مجاز کاهش دهد، غنی سازی ۲۰ و ۶۰ درصدی را متوقف کند و سانتریفیوژهای نسل جدیدی را که در تاسیسات نطنز و فردو کار گذاشته، دوباره به انبار منتقل کند.

با این حال امریکا رسیدن به توافق را تا پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری ایران که حدود ۵ هفته دیگر برگزار می‌شود، محتمل دانسته است.

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
- سردبیر چاپی: م.علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
- سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش
- گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی
- بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز
- مترجم: جلیل پژواک
- ویراستار: شیر مهریار
- صفحه آرا: رضا مظفری
- ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com
- ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

«هنوز وسط ماجرا هستیم»
توخل: برای پیروزی برابر سیتی اعتماد به نفس داریم

چلسی پیش از صف آرایی برابر سیتی در دیدار فینال چمپیونزلیگ در هفته‌های آتی، موفق شده در دو بازی اخیر دو تیم سیتیزن ها را شکست دهد. توماس توخل، سرمربی چلسی، معتقد است که بازیکنانش با اطمینان از اینکه می توانند منچسترسیتی را شکست دهند، با روحیه ای مضاعف پا به دیدار فینال چمپیونزلیگ برابر سیتیزن ها خواهند گذاشت.

چلسی روز شنبه موفق شد تا در ورزشگاه اتحاد ۲-۱ سیتی را شکست دهد تا جشن قهرمانی گواردیولا و شاگردانش باز هم عقب بیافتد. این دومین پیروزی آبی ها برابر سیتی در یک ماه گذشته بود!

قهرمانی سیتیزن ها در این فصل البته مسجل است و شاگردان گواردیولا در تاریخ ۲۹ ماه می (۸ جوزا) در فینال چمپیونزلیگ بار دیگر با توخل و شاگردانش رو به رو خواهند شد.

توماس توخل در این باره گفت: «اینکه چه نتیجه ای کسب می شد، چیزهای زیادی را تغییر نمی داد. اما مطمئنا این به ضرر ما نخواهد بود که در چنین زمان کوتاهی چنین تجربه ای را کسب کنیم و شانس این را داشته باشیم که آنها را دو بار شکست دهیم.

ما خوب می دانیم که اگر در فینال بازی می کنی پس موضوع خیلی خاص است. باید برای هر سانتیمتر و برای هر برتری کوچکی که بتواند پیروزی در بازی را برایت به ارمغان بیاورد بجنگی. بله این به ما یک باور و اطمینان واقعی و حقیقی می دهد که ما می توانیم موفق شویم چرا که پیش از این هم این کار را کرده ایم.

تلاش خواهیم کرد که این احساس و این انرژی پیشرانه ای را که در حال حاضر داریم برای مسابقه فینال حفظ کنیم. بهترین راه بازی کردن در فینال این است که اعتماد به نفس داشته باشی و من فکر می کنم ما می توانیم این احساسی را که از این بازی ها به دست آورده ایم تا آن زمان حفظ کنیم.»

اما پیش از رفتن به فینال و پروراندن رویای دومین قهرمانی در چمپیونزلیگ، آبی ها در رقابت های داخلی باید در مسابقاتی حاضر شوند؛ دیدار با آرسنال، لستر و استون ویلا آخرین بازی های چلسی در این فصل از لیگ برتر هستند.

پس از مصاف با آرسنال، چلسی همچنین باید در فینال FA Cup برابر لستریستی نیز به میدان برود. با توجه به اینکه شانس کسب رده ای در تاپ فور برای آبی ها بسیار زیاد است اما هنوز قطعی نشده، توخل از شاگردانش خواسته تا اجازه ندهند موفقیت های اخیر حواس‌شان را از مسابقات باقی مانده پرت کند.

توخل افزود: «اینطور احساس می شود که هر مسابقه ای یک بازی بسیار حساس است چرا که ما باید برای رسیدن به رویاها و اهداف‌مان خیلی سخت بجنگیم.

ما اوضاع را همانطور که هست می پذیریم. این به ضرر ما نیست و من اتمسفر و روحیه ای که تیم دارد را دوست دارم. موضوع درباره این بازی ها این است که ما به صورت مداوم تحت فشار هستیم. تیم به این شرایط به شکلی بسیار تحسین برانگیز پاسخ داده و ما باید به همین روند ادامه دهیم. حالا این انرژی مضاعف را به دست آورده ایم و به سختی برای ان تلاش کردیم. کار ما هنوز در FA Cup، چمپیونزلیگ و لیگ برتر تمام نشده است. ما هنوز وسط ماجرا هستیم و باید به مسیرمان ادامه دهیم.»

هیچکس نمی داند کیَ پنالتی است، کیَ نیست
واکنش کومان به اعتراضات گسترده رئال از داوری ها

رونالد کومان سرمربی بارسا در مورد حواشی یکشنبه شب داوری بازی رئال مادرید و سویا صحبت کرد.

بارسلونا امشب دیداری بسیار حساس برابر لوانته پیش رو دارد و در صورت پیروزی موقتا صدرنشین خواهد شد. تساوی یکشنبه شب رئال برابر سویا امیدهای بارسلونا برای قهرمانی را همچنان زنده نگاه داشت. تنها سه بازی تا پایان فصل مانده و بارسا دو امتیاز کمتر از اتلتیکوی صدرنشین دارد.

در بازی امشب رونالد کومان سرمربی بارسا پس از دو جلسه محرومیت، به نیمکت باز می گردد.

مرد هالندی در نشست خبری بازی گفت:« لالیگا بسیار برابر پیش می رود و این اواخر مشکلات زیادی برای کسب نتیجه خوب داشته ایم. هم خستگی بازیکنان به دلیل فشردگی بازی ها تاثیرگذار بوده و هم فشاری که برای کسب پیروزی وجود دارد، روی ذهنیت بازیکنان اثر منفی گذاشته است. البته نباید از قدرت حریفان هم گذشت. سه بازی باقی مانده و باید همه را پیروز شویم تا شانس داشته باشیم.»

قهرمانی:« لالیگا را از دست نداده ایم. رئال یکشنبه شب مساوی کرد و با این تیم امتیاز برابری داریم. به جای فکر کردن به اتلتیکو و رئال باید روی بازی های خودمان تمرکز کنیم و پیروز شویم. سپس خواهیم دید کجای جدول قرار می گیریم.»

توقف خانگی برابر اتلتیکو:« بازی دو فاز متفاوت داشت. خوب شروع نکردیم و در پرس اتلتیکو مشکلاتی داشتیم. آنها نیمه اول شانس های خوبی داشتند ولی ما در نیمه دوم بهتر شدیم. در نهایت بازی برابری بود و نباید فراموش کرد که اتلتیکو تیم باتجربه ای است ولی ما دو هافبک ۱۸ ساله در میانه زمین (پدری و ایلایش موریبا) و یک مدافع ۲۰ ساله در عقب زمین داشتیم(مینگسا).

اینطور نباید باشد که پس از هر برد، من بهترین مربی دنیا باشم و با یک باخت تبدیل به بدترین شوم. نباید فقط از روی نتایج تجزیه و تحلیل کرد. ما هنوز شانس قهرمانی داریم و برایش می جنگیم؛ در عین حال که اولین منتقد خودمان نیز هستیم. امشب یک بازی داریم و داستانش متفاوت خواهد بود. باید شخصیت مان را نشان دهیم.»

حواشی یکشنبه شب داوری و وی ای آر دیدار رئال و سویا و اعتراضات به اعلام پنالتی علیه رئال به دلیل برخورد توپ به دست ادر میلیتائو:« اگر کسی باشد که دیگر نباید در مورد داوری ها حرف بزند، این من هستم چرا که تازه دو جلسه محرومیتم تمام شده اما من چیزی که فکر می کنم درست است را می گویم، هرچند که نظر من چیزی را تغییر نخواهد داد.

اگر رئال فکر می کند از این ناحیه ضربه خورده، این مشکل خودشان است ولی چیزی که مسلم است، ما الان در مقطعی هستیم که واقعا نمی دانیم کدام برخورد توپ به دست پنالتی است و کدام پنالتی نیست. غیر از بازیکنان و مربیان، خود داوران هم در این مورد تردید دارند و البته این معضل فقط مربوط به اسپانیا نیست.»

آینده:« از همان روزی که خوان لاپورتا به عنوان رئیس بارسا انتخاب شد، از من حمایت کرده و من دلیلی برای نگرانی ندارم. دو ساله بسته ام و خودم را برای فصل بعد نیز سرمربی بارسا می دانم. البته که در پایان فصل با رئیس صحبت خواهیم کرد. مهمترز از هر چیزی اما سه بازی بعدی است و نه آینده من.»

خبرکوتاه

مودریچ:
بد شانس بودیم

هافبک کروات رئال مادرید تیمش را شایسته پیروزی برابر سویا می‌داند.

به نقل از الموندو، رئال مادرید در دیدار برابر سویا با تساوی دو بر دو متوقف شد تا شانس رسیدن به صدر جدول رده‌بندی را از دست دهد.

مودریچ بعد از بازی گفت: دو امتیاز ارزشمند را از دست دادیم. بازی خوبی را به نمایش گذاشتیم و فرصت‌های خوب گلزنی را خلق کردیم.

او درباره داوری گفت: داور یک پنالتی به سود سویا گرفت و براین باورم که باید یک پنالتی هم به سود ما می‌گرفت. نمی‌توانم زیاد درباره داوری صحبت کنم چرا که آن صحنه را به خوبی ندیدم. یکشنبه شب ما بد شانس بودیم و براین باورم که باید به پیروزی دست پیدا می‌کردیم. ما شایسته کسب سه امتیاز بودیم.

مودریچ در پایان گفت: در نیمه نخست کیفیت نیمه دوم را نداشتیم. برای پیروز شدن دست به هر کاری زدیم. ما خوب بازی کردیم و هم‌چنان در کورس قهرمانی هستیم. سه بازی دیگر باقی مانده است. نهایت تلاش خود را به کار می‌گیریم تا قهرمان شویم. باید منتظر نتایج دیگر تیم‌ها هم ماند.

در جدول رده بندی اتلتیکو مادرید با ۷۷ امتیاز صدرنشین است و رئال مادرید هم با ۷۵ امتیاز در رده دوم است. بارسلونا هم با همین تعداد امتیاز سوم است.

تساوی بد موقع PSG در لیگ فرانسه

پاری سن ژرمن با تساوی بد موقعی که برابر رن به دست آورد کار خود را برای دفاع از عنوان قهرمانی بسیار سخت کرد.

در یکی از حساس‌ترین بازی‌های هفته سی و ششم رقابت‌های لیگ فرانسه، پاری سن ژرمن به مصاف رن رفت.

این بازی که به میزبانی رن برگزار شد برنده نداشت و با تساوی یک بر یک به پایان رسید.

تک گل پاری سن ژرمن را نیمار از روی نقطه پنالتی به ثمر رساند.

پاری سن ژرمن با این تساوی ۷۶ امتیازی شد و فاصله‌اش با لیل صدرنشین به ۳ امتیاز افزایش پیدا کرد، این درحالی است که تا پایان فصل تنها دو بازی دیگر باقی مانده است.

دافغانستان اسلامی جمهوریت
جمهوری اسلامی افغانستان
معینیت مالی واداری
ریاست تهیه وتدارکات
امریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی
دکرهنی،اوبولګولواومالداری وزارت
وزارت زراعت، آبیاری ومالداری

«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»

شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/PD/NCB/G-78/1400/Rebid

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی پروژه (تدارک ۳۱ قلم جنس و وسایل آی‌تی جهت مصونیت شبکه برای مرکز و واحدهای دومی وزارت) تحت شماره تشخیصیه (MAIL/PD/NCB/G-78/1400/Rebid) اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرزالعمل تدارکات عامه الی ساعت ۱۰:۰۰ بجه قبل از ظهر روز چهارشنبه مورخ ۱۲/۰۳/۱۴۰۰ ارایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد. تضمین آفر مبلغ (۲۸۰,۰۰۰) دوصد و هشتادهزار افغانی طبق شرطنامه، و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات‌عامه) می‌باشد.

آدرس مکان جلسه: اتاق جلسات آفرگشایی منزل دوم، تعمیر حفظ و مراقبت، عقب ریاست منابع‌بشری، وزارت زراعت، آبیاری و مالداری. قابل ذکر است که جلسه قبل از داوطلبی پروژه متذکره به ساعت (۱۰:۰۰) قبل از ظهر روز (شنبه) مورخ ۰۱/۰۳/۱۴۰۰ در تعمیر معینیت مالی و اداری ریاست تهیه و تدارکات آمریت تدارکات اجناس نیز دایر می‌گردد.

داوطلبان می‌توانند اسناد مکمل داوطلبی را از وب‌سایت اداره تدارکات‌ملی www.npa.gov.af دانلود نمایند، در صورت عدم دانلود از وب‌سایت، می‌توانند شرطنامه را در سی‌دی یا فلش‌دیسک بشکل سافت و مجانی ازآمریت تدارکات اجناس و خدمات غیرمشورتی ریاست تهیه و تدارکات واقع تعمیر معینیت مالی و اداری منزل اول وزارت زراعت، آبیاری و مالداری بدست آورند.

د افغانستان اسلامی جمهوری دولت
د سرحدونو او قبایلو چارو وزارت
د مالی او اداری عمومی ریاست
ریاست تدارکات
امریت تدارکات
دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت امور سرحدات وقبایل
ریاست عمومی مالی و اداری

موضوع: اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد پروژه اعمار دیوار لیسه پیرمحمدکاکر
شماره داوطلبی: MOBTA/1400/NCB/OPT/W002

به تاسی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود وزارت امورسرحدات و قبایل در نظر دارد پروژه اعمار دیوار لیسه پیرمحمدکاکر مورد ضرورت خویش را به (شرکت ساختمانی پریموس) دارای جوازنمبر D-۳۸۸۵۸ نمبرتشخیصه (۹۰۰۰۳۲۱۲۱۷) به قیمت مجموعی ۱۴,۹۷۷,۳۵۶.۵ چهارده‌میلیون و نه‌صد و هفتاد و هفت‌هزار و سه‌صد و پنجاه و شش اعشاریه پنج افغانی اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تدارکات منزل تحتانی وزارت امورسرحدات و قبایل مکروریان‌سوم جوار ستره‌محکمه، کابل افغانستان، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند.

اطلاعات روز

سه‌شنبه | ۲۱ ثور ۱۴۰۰ | سال دهم | شماره ۲۱۵۱

Tuesday | 11 May 2021 | Year 10 | No 2151

نومادلند و داستان‌های پشت پرده‌اش

تایم، آنابل گوترمن
برگردان: شریفه عرفانی

وقتی برای اولین‌بار با «فرن» در«نومادلند» یا همان «سرزمین خانه‌به‌دوشان» آشنا می‌شویم، او را می‌بینیم که درون موتر کاسترش زندگی می‌کند و کارمند انباری در شرکت آمازون است. تعطیلات کریسمس است و این بیوه‌ی ۶۱ ساله، با هنرمندی «فرانسیس مک دورمند»، در حال خرید از فروشگاهی ورزشی است که برخی از چهره‌های آشنایی را که از دوران زندگی در«امپایر»، شهرکی معدنی متعلق به شرکتی که ماه‌ها پیش به سبب «رکود بزرگ اقتصادی» در جهان متروک مانده بود، ملاقات می‌کند. دختر جوانی که فرن زمانی معلم خصوصی‌اش بود به او می‌گوید مادرش گفته که فرن بی‌خانمان است. او می‌خواهد بداند که آیا این حقیقت دارد یا نه. فرن می‌گوید: «من بی‌خانمان نیستم. من فقط ... خانه ندارم. این‌ها معنی‌شان یکی نیست، درست است؟»

نومادلند به نویسندگی و کارگردانی «چلو ژائو» که نوزدهم فبروری در سالن‌های سینما و «هولو» با استقبال زیادی روبه‌رو شد، براساس کتابی به همین نام از «جسیکا برودر» ساخته شده است. این کتاب غیرداستانی که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده، زندگی عشایر معاصر، در نتیجه‌ی رکود اقتصادی را روایت می‌کند، کسانی مثل شخصیت داستانی فرن. برودر زمانی که مشغول تحقیق در مورد این کتاب بود، سال‌ها در سراسر کشور همراه عشایر زندگی کرد و به این ترتیب بخش مهمی از نیروی کار امریکایی را که به چشم نمی‌آمد در معرض دید قرار داد. این نویسنده ماه‌ها در یک کاستر دست دوم، به نام «هالن»، زندگی کرد، تا شخصیت کسانی مانند «لیندا می» و «سوانکی» را که خودشان نیز در این فیلم بازی می‌کنند، بهتر بتواند درک کند.

روایت نومادلند به همراه فرن که زندگی‌اش در جاده‌ها سپری می‌شود، در چندین حرفه مشغول به کار است، با عشایر دیگر دیدار می‌کند و با آن‌ها دوست می‌شود و با زندگی تازه‌ی خود خو می‌گیرد، گام به گام همراهی می‌کند و آرام‌آرام شکل می‌گیرد. برودر به تایم می‌گوید: «سازندگان فیلم از فرانسیس به‌عنوان استادی پاره‌وقت یاد می‌کنند، از این (تعریف) واقعا خوشم آمد. او ما را در این جاده راهنمایی می‌کند. ما با همه این افراد آشنا می‌شویم، روایت او را دنبال می‌کنیم، اما او ستون اصلی داستان نیز است و همه‌ی آن موارد دیگر، داستان او را حکایت می‌کنند.»

ژائو، کارگردان این فیلم، همانند فیلم‌های قبلی‌اش، «آوازهایی که برادرانم به من آموختند» و «سوارکار»، از بازیگران غیرحرفه‌ای بازی گرفته است؛ در این فیلم بازیگران او، خانه‌به‌دوشان واقعی هستند. در اقتباس از کتاب برای ساخت فیلم، ژائو به نشریه «ددلاین» گفت که شخصیت‌های واقعی به شکل‌دادن شخصیت فرن کمک کردند. ژائو گفت: «همه‌چیز به‌طور همزمان اتفاق می‌افتد، زیرا هنگامی که با شخصی مانند سوانکی ملاقات می‌کنیم، می‌فهمیم که او باید در این فیلم حضور داشته باشد و مسیری را به ما نشان دهد که فرن قرار است طی کند».

این فیلم، اولین فیلمی بود که جوایز برتر هر دو جشنواره‌ی ونیز و تورنتو را به خود اختصاص داد، و همین باعث شد به فیلمی پرجایزه تبدیل گردد و اخیرا چهار جایزه گلدن گلوب از جمله بهترین کارگردانی و بهترین فیلم سینمایی (درام) را نیز به‌دست آورد. تایم درمورد این کتاب و احساس برودر نسبت به حضور عشایری که او مدت زیادی با آن‌ها زندگی کرده، در فیلمی مهم، با او گفت‌وگویی داشته است. در ادامه می‌توانید داستان‌هایی واقعی و سبک زندگی در قلب این داستان را بخوانید.

کتابی درباره‌ی بقا

در سال ۲۰۱۴، برودر برای مجله «هارپر» داستانی نوشت: «پایان بازنشستگی» که جزئیات گرفتاری‌ها و مخمصه‌های آن عده از افراد سالمند امریکایی را که توان بازنشسته‌شدن ندارند و در شرکت‌هایی مثل آمازون شغل موقت دارند، به تصویر کشید. او این گزارش را نوشت و سه سال بعد «نومادلند: بقای امریکا در قرن بیست‌ویکم» را منتشر کرد. این کتاب بر محوریت «لیندا می» است، مادرکلان ۶۴ ساله‌ای که در ون دست‌دوم خود زندگی می‌کند و به کارهای موقت کم‌مزد مشغول است تا بتواند برای تحقق رویای خود که یافتن زمینی مناسب برای ساخت خانه‌ای ثابت روی «زمین خاکی» است، پول پس‌انداز کند. برودر می‌گوید: «به‌عنوان یک ژورنالیست، یکی از دلایلی که حضور لیندا در این مستند برایم لذت‌بخش بود این است که وی از خود بی‌خودی خاصی نسبت به خود دارد. او چه زمانی که با من صحبت می‌کرد و از او فیلم ضبط می‌شد و چه زمانی که با ناشناسی در رستوران یا با افرادی ناآشنا که تازه ملاقات کرده بود صحبت می‌کرد، همیشه خودش بود و همیشه او بود که سر صحبت را باز می‌کرد.»

در حین همراهی لیندا می در جاده، برودر از بسیاری از مشکلاتی که امریکایی‌های طبقه متوسط که پس از رکود بی‌خانمان شده و کاروان‌ها و کاسترها سرپناه‌شان شده بود، پرده برمی‌دارد. علاوه بر زندگی در کاستر، برودر درکنار افرادی که با آن‌ها مصاحبه داشت، در مکان‌هایی از زمین‌های برداشت گیاه چغندر قند گرفته تا مرکز اجرایی آمازون کار کرده است. او این کارهای جسمی و عوارضی را که این کارگران متحمل می‌شود، توصیف می‌کند. وی نوشت: « برخی از آن‌ها ۲۴ مایل روی زمین‌هایی با کف بتونی راه می‌روند، خم می‌شوند، سرپا می‌نشینند، به پله‌ها می‌رسند و از آن بالا می‌روند و در همین حین به بررسی، مرتب‌سازی و بسته‌بندی کالاها نیز مشغولند.»

این کتاب، که دبلیو.دبلیونورتون آن را منتشر کرد، در چندین لیست به‌عنوان کتاب برتر سال معرفی شد و به‌دلیل تشریح دقیق رویای امریکایی و طبقه متوسط تحت فشار مورد تشویق قرار گرفت. نیویورک تایمز آن را «درخشان و دلهره‌آور» توصیف کرد. تیموتی آر اسمیت، عضو سابق «جهان کتاب» که به عشایر پیوسته، در واشنگتن‌پست مروری بر این کتاب نوشت و آن را «ویرانگر» و «افشاگرانه» خواند. برودر که روزنامه‌نگاری‌اش به سبک روایت‌های بلند است، از طیف وسیع واکنش خوانندگان لذت می‌برد: «برخی از افرادی که این کتاب را خوانده‌اند با من در تماس هستند و می‌گویند، خدای من، این همان «خوشه‌های خشم» (کتابی اثر جان استاین‌بک) است، مردم در اطراف سرگردانند و بعضی می‌گویند «دیگر صبرم تمام شده و می‌خواهم به دل جاده بزنم، دارم برای خودم یک کاستر آماده می‌کنم.» این طیف تجربه‌ها مرا واقعا بسیار خوشحال می‌کند زیرا می‌خواهم مردم آن را بخوانند، نه این‌که احساس کنند چیزی را به آن‌ها تحمیل کرده‌ام.»

ستارگان واقعی فیلم

برودر با وجود این‌که نویسنده‌ی فیلم‌نامه اقتباس‌شده نیست، ژائو را در مراحل تحقیق همراهی کرده است. او به تایم می‌گوید برخی مطالب از منبع اصلی در اختیارش بود که از آن در این کتاب استفاده نشده بود، و او ژائو را به برخی از عشایری که هنگام نوشتن با آن‌ها آشنا شده بود، معرفی کرده است. وقتی ژائو از او از نظرش درباره‌ی لیندا می برای بازی در این فیلم می‌پرسد، برودر می‌گوید: «من واقعا نمی‌توانم در مورد حضور او در صحنه‌ی نمایش نظری بدهم، زیرا فیلم‌ساز نیستم، اما ویژگی‌هایی که لیندا داشت واقعا برای کار من مفید بود و امیدوارم همان ویژگی‌ها را بتواند به صفحه‌ی نمایش نیز منتقل کند که بسیار عالی خواهد شد.» او هنوز با شخصیت‌های عشایر در کتابش از طریق فیسبوک در ارتباط است.

جسیکا برودر در کاستر خود، از آلبوم شخصی برودر.

در کنار لیندا می، سوانکی و باب ولز نیز در این فیلم بازی می‌کنند. سوانکی بیش از ۱۰ سال در جاده بوده و همتای خیالی او قبل از شروع سفرش به آلاسکا با فرن دوست می‌شود. در مصاحبه‌ای با «ورایتی» سوانکی از خوشحالی‌اش به‌خاطر شرکت در این پروژه صحبت کرد: «من بیش از خانواده بیولوژیکی خودم از طرف فرن و کلوئه و گروه فیلمبرداری عشق دریافت کردم. هرگز نمی‌توانم به‌خاطر این محبت از آن‌ها قدردانی کنم.»

ولز در ۱۲ سال گذشته همواره مسافر بوده و بنیانگذار وب‌سایت «زندگی ارزان در کاروان» (Cheap RV Living) است. او در این وب‌سایت منابعی را درباره‌ی چگونگی زندگی در جاده به اشتراک می‌گذارد. او یک کانال یوتیوب نیز به همین نام با بیش از ۴۰۰ هزار تعقیب‌کننده دارد که در آن نکات مفیدی از بودجه‌بندی گرفته تا بهترین بخاری‌های ون و ایمن‌ماندن در هنگام زندگی در وسیله نقلیه را شرح می‌دهد.

این بازیگران غیرحرفه‌ای و داستان‌های واقعی آن‌ها فیلم‌نامه‌ی فیلم را هدایت می‌کردند. اعضای این مجموعه با گروه بازیگران و افراد آن، که حدود ۳۰ نفر بودند، خود را در جامعه جای داده و برای فیلم‌برداری چندماهه خودشان نیز در فضای بیرون زندگی می‌کردند. مک دورماند به ددلاین گفت که همه با هم کار کردند تا سبک زندگی را بشناسند و فیلم را با هم بسازند: «ما توانستیم بسیار سریع و در صورت لزوم به‌صورت بداهه کار کنیم و در میان این افراد به‌نحوی زندگی کنیم که مخل نباشیم، بلکه جزئی از آنان شویم.»

جامعه‌ی بزرگ‌تر عشایر معاصر، همان‌طور که در فیلم به تصویر کشیده شده، عمدتا سفیدپوستان پیر امریکایی هستند. با وجود این‌که بیشتر فیلم در مناطق محافظه‌کارتر کشور اتفاق می‌افتد، ژائو تلاش کرده داستان را از سیاست دور نگه دارد. وی به ایندیوایر گفت: «من سعی کردم بر روی تجربه انسانی و چیزهایی که احساس می‌کنم فراتر از اظهارات سیاسی است، تمرکز کنم. از دست‌دادن یک عزیز، جست‌وجوی خانه.»

برودر این کتاب را در زمان دولت اوباما نوشت، اما موضوعات سیستمی که وی بر آن تأکید می‌کند به دهه‌ها قبل برمی‌گردد: «این مسائل به دولت‌ها مربوط نمی‌شود، اما بسیاری از مردم می‌خواستند شخصیت‌های این کتاب، رأی‌دهندگان عصبانی ترمپ باشند، و وقتی به آن‌ها گفتم که افراد زیادی با عقاید سیاسی مختلف در این گروه گنجانده شده‌اند، تقریبا ناامید شدند.» او می‌گوید: «آن‌ها را به این سادگی نمی‌توان طبقه‌بندی کرد.»

طنین نومادلند

برودر امیدوار است که تماشاگر با فیلم رابطه‌ی طولانی‌مدت برقرار کند، و به دو دلیل، آن را فیلمی به‌موقع می‌داند: یکی طبیعت فیلم‌برداری است که سفر به اطراف ایالات متحده را پیش چشم بیننده‌هایی به تصویر می‌کشد که نزدیک به یک سال است نتوانسته‌اند سفر بروند. و دیگری، سفر عاطفی شخصیت فرن است که می‌تواند بیان‌کننده‌ی حالت مخاطبانی باشد که با مشکلات به‌بارآمده ناشی از پاندمی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. او می‌گوید: «فرن کنترل خاصی بر کنترل‌نداشتن بر زندگی خود دارد. نوعی اختیار محدود وجود دارد. او با محدودیت‌های اطراف خود مقابله می‌کند، اما به مسیر خودش نیز ادامه می‌دهد.»

کاستر شخصی خود برودر در حیاط یکی از دوستانش در «نِو نرو» است و او نتوانسته در دوران پاندمی به آن دسترسی داشته باشد. گرچه خاطرنشان کرد که اکنون به زمانی که با «عینک به رنگ گل رز» در موتر سپری کرده فکر می‌کند، دلش برای آن تنگ شده و آرزو می‌کند که می‌توانست با موتر خود باشد، به‌خصوص در تابستانی که گذشت. او می‌گوید: «لحظاتی بود که من آن‌جا بودم و گزارش می‌نوشتم، مضطرب، خسته یا عصبانی بودم، اما اکنون وقتی به آن زمان فکر می‌کنم، آن منظره‌ها را می‌بینم، و جاده در ذهنم مجسم می‌شود، به لحظه‌های شاد فکر می‌کنم.»

هنگام آغاز فیلم در سپتامبر گذشته، در جشنواره تلوراید، برودر توانست دوباره با شخصیت‌های عشایر این فیلم ملاقات کند. این جشنواره میزبان نمایش فیلم در لس آنجلس بود: «ما ماسک به صورت داشتیم و از آسمان خاکستر می‌بارید. اما لیندا، سوانکی و باب آن‌جا بودند. دیدن آن‌ها که همراه چلو و فرانسیس به سوالات پاسخ می‌دادند، مرا همان‌قدر هیجان‌زده و احساساتی کرد که دیدن‌شان روی صفحه‌ی نمایش.»